

شهرنگار

دوماهنامه شهرنگار - شماره ۵۶ و ۵۷
Shahrnegar - No.56 & 57

۱۷-۳۸

گونه‌شناسی حریم و تجربیات جهانی برنامه‌ریزی و مدیریت آن*

ناصر برکپور**

ایرج اسدی***

میثم بصیرت****

چکیده

تعریف و تعیین حریم برای شهرها، ابزار رسمی و قانونی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای هدایت و کنترل توسعه و نظارت بر ساخت‌وسازها در پیرامون شهر است. مقاله حاضر در دو بخش اصلی سازمان یافته است. بخش اول با گونه‌شناسی مفاهیم مختلف فضایی که در زمینه قلمروهای پیرامونی شهرها ساخته و پرداخته شده‌اند تلاش می‌کند تا مفهوم حریم را مبتنی بر آن گونه‌شناسی مورد بازشناسی قرار دهد. بررسی‌ها نشان داد که کلیه مفاهیم مورد بررسی از لحاظ ماهیت در دو دسته قرار می‌گیرند: مفاهیم فضایی - جغرافیایی و مفاهیم برنامه‌ریزی. حریم یک مفهوم برنامه‌ریزی با کارکردها و ماهیت برنامه‌ریزانه خاص خود است نه یک مفهوم فضایی - جغرافیایی صرف. در بخش دوم مقاله بعد از گونه‌شناسی مفاهیم قلمرویی مختلف در این زمینه و تطبیق مفهوم ایرانی حریم با مفاهیم رایج جهانی تلاش دارد تا خلاصه‌ای از شیوه‌های مدیریت این نوع نواحی برنامه‌ریزی پیرامون چهار کلانشهر تورنتوی بزرگ، ایل دو فرانس، منطقه کلانشهری لندن و دالاس را تعریف و درس‌های منتج از آنها را فهرست نماید. یافته‌های بررسی تجربیات سایر کشورها حاکی از این است که تضمین کارکرد مناسب برای حریم‌های شهری چه در قالب کمربندهای سبز و چه در قالب نواحی کنترل ساخت‌وساز (دو گونه غالب حریم در دیگر کشورها) مستلزم فراهم نمودن پشتیبانی قانونی و نهادی؛ گسترش روش‌های نوآورانه و داوطلبانه و غیررسمی در مدیریت حریم، آموزش و پژوهش و اطلاع‌رسانی در زمینه اهمیت و کارکرد حریم‌ها و شکل‌گیری سطح قابل اعتمادی از اراده ملی، منطقه‌ای و محلی برای حفاظت و ارتقای حریم است.

کلید واژگان:

حریم، کمربند سبز، هاله شهری، محدوده اعمال قدرت فرامرزی، گونه‌شناسی.

۱. مقدمه

تعریف و تعیین حریم برای شهرها، ابزار رسمی و قانونی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای هدایت و کنترل توسعه و نظارت بر ساخت‌وسازها در پیرامون شهر است. بررسی‌ها نشان داد که کلیه مفاهیم مورد بررسی از لحاظ ماهیت در دو دسته قرار می‌گیرند: مفاهیم فضایی - جغرافیایی و مفاهیم برنامه‌ریزی. حریم یک مفهوم برنامه‌ریزی با کارکردها و ماهیت برنامه‌ریزانه خاص خود است نه یک مفهوم فضایی - جغرافیایی صرف. در بخش دوم مقاله بعد از گونه‌شناسی مفاهیم قلمرویی مختلف در این زمینه و تطبیق مفهوم ایرانی حریم با مفاهیم رایج جهانی تلاش دارد تا خلاصه‌ای از شیوه‌های مدیریت این نوع نواحی برنامه‌ریزی پیرامون چهار کلانشهر تورنتوی بزرگ، ایل دو فرانس، منطقه کلانشهری لندن و دالاس را تعریف و درس‌های منتج از آنها را فهرست نماید. یافته‌های بررسی تجربیات سایر کشورها حاکی از این است که تضمین کارکرد مناسب برای حریم‌های شهری چه در قالب کمربندهای سبز و چه در قالب نواحی کنترل ساخت‌وساز (دو گونه غالب حریم در دیگر کشورها) مستلزم فراهم نمودن پشتیبانی قانونی و نهادی؛ گسترش روش‌های نوآورانه و داوطلبانه و غیررسمی در مدیریت حریم، آموزش و پژوهش و اطلاع‌رسانی در زمینه اهمیت و کارکرد حریم‌ها و شکل‌گیری سطح قابل اعتمادی از اراده ملی، منطقه‌ای و محلی برای حفاظت و ارتقای حریم است.

* این مقاله برگرفته از گزارش مطالعاتی برنامه راهبردی مدیریت و برنامه‌ریزی حریم پایتخت و شمال بزرگراه بابایی است که نگارندگان در سال ۱۳۸۹ برای مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران انجام داده اند.

** دکتری شهرسازی، دانشیار دانشگاه هنر، تهران، ایران. barakpur@yahoo.com

*** دکتری شهرسازی، دانشگاه مازندران.

**** پژوهشگر دوره دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

شهری روستایی در محدوده بلافضل کلانشهرهاست، انطباق چندانی با ماهیت حریم در متون قانونی کشور (یعنی محدوده‌ای رسمی و قانونی برای اعمال کنترل فرا-مرزی شهرداری در محدوده بلافضل خود) ندارد.

بررسی مفاهیم مرتبط با حریم نشان‌دهنده دو نمونه بسیار نزدیک به مفهوم قانونی و برنامه‌ریزانه حریم (و نه مفهوم علمی و جغرافیایی آن) است. این دو مفهوم عبارتند از مفهوم "کمربند سبز"^۱ که در بریتانیا و چند کشور اروپایی و امریکایی به کار می‌رود و دیگری محدوده اعمال قدرت فرا-مرزی^۲ در شهرهای ایالات متحده آمریکا. کمربند سبز که بعد از قانون برنامه‌ریزی شهری و روستایی ۱۹۴۷ بریتانیا در تمامی شهرهای بریتانیایی به خصوص شهرهای بزرگ الزامی شد، محدوده‌ای است که پیرامون بلافضل شهرها تعیین شده و پس از تصویب - که با تضارب آرای فراوان همراه است - اجازه هیچ گونه توسعه‌ای در آن داده نمی‌شود. کمربند سبز، محدوده‌ای برای جلوگیری از توسعه پیوسته و افقی شهر و ادغام شدن شهرهای کوچک و بزرگ پیرامون شهر مرکزی است.

نمونه نزدیک دیگر، تعریف محدوده‌هایی پیرامون شهرهاست که با عنوان محدوده‌های اعمال قدرت فرا-مرزی در تعدادی از ایالات آمریکا شناخته می‌شود. در این نوع اقدام که شباهت بیشتری به وضعیت امروز شهرهای ایرانی دارد، شهرداری شهر مرکزی، محدوده‌ای را در نواحی بلافضل شهرداری تعریف می‌کند که در آن نواحی، مقررات منطقه‌بندی خاصی برای کاربری زمین از سوی شهرداری شهر مرکزی خواهد شد. شهرداری شهر مرکزی، براساس قانون، وظیفه‌ای برای خدمات‌رسانی در این محدوده‌ها ندارد اما می‌تواند در ابعاد مقررات منطقه‌بندی کاربری زمین اعمال نظر کرده و توسعه در آن نواحی را کنترل نماید. محدوده این حریم، رابطه مستقیمی با حوزه نفوذ شهر مرکزی و جمعیت آن دارد. این راهبرد در شهرهایی با محدوده‌های مماس و مجاور حوزه‌های حکومت محلی دیگر، کاربرد چندانی ندارد.

مقاله حاضر تلاش می‌کند تا مفاهیم اصلی مرتبط با قلمروهای مختلف جغرافیایی و برنامه‌ریزی پیرامون شهرها را بررسی کرده و با انجام یک گونه‌شناسی، مفاهیم نزدیک به مفهوم حریم در کشور را بازشناسی نماید. این بازشناسی از آن رو اهمیت ویژه‌ای دارد که در شناخت کارکردها

و طراحی راهبردهای ویژه برای چنین نواحی می‌تواند چارچوب راهنمای مفیدی فراهم سازد. بهره‌برداری از درس‌ها و آموزه‌های مرتبط با کارکرد حریم از تجربیات دیگر کشورها و نیز شیوه ارتقای کیفیت زندگی در آن مستلزم بازشناسی مفاهیم مختلف موجود در این حوزه و التزامات کارکردی مرتبط با آن مفاهیم است. مقاله بعد از گونه‌شناسی مفاهیم قلمرویی مختلف در این زمینه (قلمروهای جغرافیایی-فضایی و قلمروهای برنامه‌ریزی پیرامونی شهرها) و تطبیق مفهوم ایرانی حریم با مفاهیم رایج جهانی تلاش دارد تا خلاصه‌ای از شیوه‌های مدیریت این نوع نواحی برنامه‌ریزی پیرامون چهار کلانشهر تورتوی بزرگ، ایل دو فرانس، منطقه کلانشهری لندن و دالاس را تعریف و درس‌های منتج از آنها را فهرست نماید.

۲. گونه‌شناسی مفاهیم و قلمروهای جغرافیایی -

فضایی و برنامه‌ریزی پیرامون شهرها

کلیه مفاهیمی که در این مقاله در ارتباط با انواع محدوده‌ها و اشکال سکونتی تعریف شده در پیرامون شهرها و کلانشهرها فهرست شده‌اند، از لحاظ فرم در دو گروه قابل دسته‌بندی است: مفاهیم و محدوده‌های خطی و حلقوی و مفاهیم و محدوده‌های نقطه‌ای یا لکه‌ای. مفاهیم و محدوده‌های خطی به‌گونه‌ای هستند که گرداگرد شهر را تحت پوشش قرار می‌دهند مانند هاله شهری یا ناحیه پیرا-شهری. ولی مفاهیم نقطه‌ای به محدوده‌های سکونتی اشاره دارند که به صورت نواری و حلقوی توسعه نیافته‌اند و بیشتر لکه‌ها یا پهنه‌هایی هستند که در فواصل کم یا زیاد از شهر مرکزی توسعه یافته‌اند مانند شهرهای اقماری، شهر-لبه‌ها و نواحی فرا-شهری.

علاوه بر این دسته‌بندی دیگری نیز از حیث ماهیت و کارکرد در بین این مفاهیم و قلمروها قابل اعمال است. برخی از این مفاهیم، مفاهیمی علمی هستند که در متون جغرافیایی و فضایی مرتبط با مطالعات شهری و کلانشهری فارغ از هرگونه بار معنایی برنامه‌ریزانه مدنظر هستند؛ مانند هاله شهری-روستایی و یا نواحی پیرا-شهری. از سوی دیگر برخی از این دسته مفاهیم مانند کمربند سبز یا ناحیه اعمال کنترل فرا-مرزی نوعی قلمرو و مفهوم فضایی است که معنایی برنامه‌ریزانه داشته و در متون برنامه‌ریزی به‌عنوان ناحیه‌ای تعریف می‌شود که در آن ضوابط و مقررات خاصی

از برنامه‌ریزی حاکم بوده و توسعه در آن تنها تحت شرایط خاصی امکان‌پذیر است. بخش اول فهرست و تشریح اولیه‌ای از انواع مفاهیم و قلمروهای فضایی پیرامون شهرها است که فهرست آن نتیجه یک مطالعه اکتشافی اولیه است. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، کلیه این مفاهیم در قالب اولیه مفاهیم خطی_حلقوی و مفاهیم نقطه‌ای_لکه‌ای دسته‌بندی شده‌اند.

۲.۱. محدوده‌ها و مفاهیم خطی_حلقوی

۲.۱.۱. کمربند سبز

بسیاری از حکومت‌های شهری برخی اشکال سیاست برنامه‌ریزی را برای تحدید رشد شهری مورد استفاده قرار می‌دهند. در ایالات متحده سیاست مدیریت رشد شهری که با عنوان رشد هوشمند شناخته می‌شود، تنها در برخی ایالات اعمال می‌شود. در بخش‌هایی از اروپا مانند انگلیس و هلند، ایده تحدید رشد شهری یک ایده قدیمی است که در بخش‌های متعددی از سیاست‌گذاری‌های توسعه شهری آنجا ریشه دوانده است. سیاست کمربند سبز ابتدا در اروپا و به‌صورت محدود پیشنهاد شد. در سال‌های بین جنگ، رشد و توسعه حمل‌ونقل باعث گسترش شهر فراسوی محدوده شهری شد. پاسخ حکومت لندن تعیین و تعریف کمربند سبز به عرض ۳۰ کیلومتر پیرامون شهر بود. با تصویب قانون برنامه‌ریزی شهری و روستایی ۱۹۴۷ تمامی شهرهای بزرگ ملزم به تعیین کمربند سبز پیرامون خود شدند. نتیجه این سیاست، میزان بسیار اندک تغییرات کاربری زمین روستایی به شهری در انگلستان است. برای مثال در سال ۱۹۹۵ در انگلستان ۱۳ هزار و ۳۲۰ هکتار زمین به کاربری شهری تغییر ماهیت داد. میزان خالص تغییر کاربری زمین از روستایی به شهری در انگلستان حدود شش هزار هکتار در سال است. این میزان در آلمان ۴۷ هزار هکتار و در ایالات متحده حدود ۶۰۰ هزار هکتار است (Caves, 2005; Pitzl, 2004).

دلیل اصلی این اختلاف بین انگلستان و دیگر کشورها، اعمال سیاست کمربند سبز است. سیاست کمربند سبز برای جلوگیری از رشد فیزیکی نواحی شهری بزرگ و نیز جلوگیری از ادغام شهرها و شهرک‌های همجوار و برای حفاظت از ویژگی‌های منحصر به فرد شهر تدوین شد. تا پیش از دهه ۱۹۹۰ کارکرد تفریحی و زیست‌محیطی کمربند سبز مدنظر نبوده است. کمربند سبز شهرها اکنون

حدود ۱۳ درصد سرزمین انگلستان را شامل می‌شود که چیزی بالغ بر یک‌ونیم میلیون هکتار است. ویژگی اصلی کمربند سبز، ماندگار بودن حدود و مرزهای آن است که به‌جز استثنائاتی، تغییری در آن صورت نمی‌گیرد. اگرچه رسیدن به حدود و مرزهای کمربند سبز بسیار دشوار است اما در صورت توافق و تصویب، بازنگری و تغییر در آن بسیار دشوار می‌گردد. بعد از تعیین کمربند سبز توسعه، تغییر در آن به‌جز موارد بسیار استثنایی (مثلاً برای نوسازی بناهای تاریخی موجود در آن و یا بهبود تسهیلات محلی مانند زمین‌های بازی) امکان‌پذیر نیست. در سال‌های اخیر تنها برخی موارد معدود توسعه مانند سایت‌های پارک_سوار که دارای منافع پایداری محیطی عمده برای شهر است، مجاز شناخته شده‌اند (Caves, 2005).

در دهه ۱۹۹۰ اثرات کمربند سبز در انگلستان مورد ارزیابی قرار گرفت و یافته‌ها حاکی از این بود که این سیاست در تحدید پراکنده‌روی شهری و جلوگیری از ادغام شهر و شهرک‌ها بسیار مفید بوده است. تغییر مرزهای کمربند سبز تنها در حدود سه‌دهم درصد موارد صورت گرفته است و این سیاست در توسعه و نوسازی نواحی درون شهری بسیار موفق بوده است زیرا به تغییر جهت موج توسعه از نواحی حومه‌ای به نواحی درون شهری انجامیده است.

۲.۱.۲. نواحی حومه‌ای

سکونتگاه‌های حومه‌ای، واحدهای حکومتی (به لحاظ سیاسی) مجزایی هستند که معمولاً پیوستگی کالبدی با شهر مرکزی دارند؛ اما برخی موارد بیرون شهر مرکزی یا کلانشهر اصلی قرار دارند. حومه‌ها معمولاً دارای تعلقات و وابستگی‌های اقتصادی و اجتماعی مشترکی با شهر مرکزی هستند و در همراهی با شهر مرکزی، ناحیه کلانشهری را شکل می‌دهند (Caves, 2005; Pitzl, 2004).

حومه‌ها در اشکال مختلف بعد از ایام باستان وجود داشته‌اند، اما در آن دوران تنها افراد فقیر بیرون دیوارهای شهر زندگی می‌کردند. تا پیش از اواسط قرن نوزده، رشد و اندازه شهرها به واسطه فقدان شبکه حمل‌ونقل انبوه و سریع محدود می‌شد. بنابراین کارگران و مالکان باید همجوار یکدیگر و نزدیک مکان اشتغال زندگی کنند. نتیجه آن، شکل‌گیری شهرهای فشرده‌ای بود که اندازه آنها به واسطه توانایی افراد برای پیاده‌روی بین بخش‌های مختلف شهر تعیین می‌شد.

شهرنگار

دوماهنامه شهرنگار
Shahrnegar

شماره ۵۶ و ۵۷

بخش ویژه

۱۹

در طول قرن نوزدهم، صنعتی شدن به همراه موج مهاجرت، شهرهای مرکزی را به مکان‌های نامطلوبی برای ثروتمندان تبدیل کرد. از دهه ۱۸۴۰ به بعد با توسعه سیستم حمل‌ونقل عمومی در قالب درشکه‌های اسبی، ترن و مترو این امکان به وجود آمد تا ثروتمندان در شهرهای بریتانیایی و بعدها امریکایی، شروع به تخلیه شهر مرکزی به سوی فضاهای باز در حاشیه شهر کنند. این وضعیت موجب جدا شدن طبقات مختلف جامعه و انواع مختلف کاربری زمین و به تبع آن سکونت و اشتغال شد.

در حقیقت توسعه حومه‌ای، نشانگر تبدیل زمین در طی یک دوره چند ساله از روستایی به شهری است. حومه‌ها اساساً به‌عنوان نواحی مسکونی در فاصله سفرهای آونگی روزانه به مقاصد اشتغال، خرید و سرگرمی شکل می‌گیرند. موج اصلی رشد حومه‌ای بعد از جنگ جهانی دوم روی داد، یعنی زمانی که نظامیان به خانه برگشتند و اقتصاد بعد از جنگ، جان دوباره‌ای گرفت. وجود سیستم حمل‌ونقل مناسب به ساکنان حومه‌ای اجازه می‌دهد تا در هاله شهری زندگی کنند و دسترسی مناسبی به محل کار در شهر مرکزی داشته باشند. با رشد حومه‌نشینی، خرده‌فروشان نیز کسب‌وکار خود را در نزدیکی مشتریان جدید مستقر می‌کنند و صنایع نیز شروع به استقرار در حومه‌ها می‌کنند، جایی که زمین هزینه‌های کمتری دارد و فرصت‌های گسترش فعالیت فراهم است (Pitzl, 2004).

بسیاری از نواحی کلانشهری با ادامه رشد شهری فراسوی مراکز شهری خود، حلقه اول، دوم و سوم حومه‌ای را تجربه کرده‌اند. بسیاری از نواحی کلانشهری بزرگ اکنون واجد سکونتگاه‌هایی هستند که فراسوی نوار حومه‌ای به سوی نواحی فرا-شهری^۴ گسترش یافته‌اند؛ ناحیه‌ای فراسوی ناحیه ساخته شده که مشخصه هاله روستایی - شهری معاصر است. همانند توسعه حومه‌ای در دهه‌های گذشته، نواحی فرا-شهری در حقیقت حوزه تولید سفرهای آونگی محسوب می‌شود که نتیجه بهبود سیستم‌های حمل‌ونقل سطحی است که به افزایش عمده‌ای در قابلیت دسترسی در نواحی کلانشهری منجر شده و امکان گسترش آن نواحی را فراهم ساخته است.

۲.۱.۳. نواحی پیرا-شهری^۵

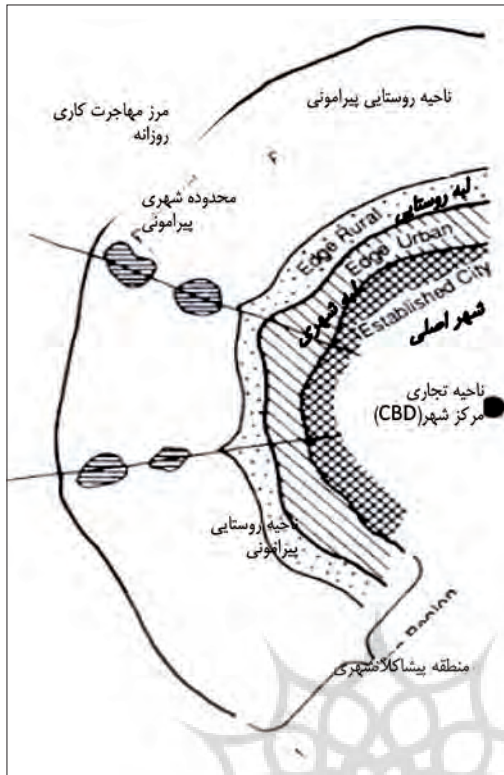
این واژه در کشورهای آفریقایی-انگلیسی زبان و در هند

و استرالیا بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در سال ۱۹۶۵ مور تیمور و ویلسون نواحی پیرامون شهر کانو در نیجریه را به‌عنوان نواحی پیرا-شهری تعریف می‌کردند زیرا ویژگی‌های تراکمی این ناحیه، آن را از نواحی پسکرانه روستایی کم‌تراکم و بافت متراکم شهری تفکیک می‌کند. در تعریف این دو محقق از مفهوم پیراشهری، آنها بر موزاییک الگوهای کاربری زمین، قابلیت دسترسی این ناحیه به شهر، تنوع بخشی درآمدهای خانوار، همجواری با بازارها، در دسترس بودن نیروی کار کشاورزی و امکانات اشتغال غیر کشاورزی تأکید دارند (Marshal et al, 2009).

(3-5).

۴۰ سال بعد از کار مور تیمور و ویلسون، مفهوم پیرا-شهری به‌عنوان ناحیه‌ای ناهمگن با ترکیبی از ویژگی‌های روستایی و شهری دیده می‌شود. ویژگی عمده این دسته مکان‌ها عبارتند از افزایش روزافزون تراکم جمعیت غنی از خانه‌های روستایی، آلودگی ناشینی کم، منابع متعدد درآمد، فقدان مقررات، وجود مجادله بر حقوق تصرف زمین، تغییر ناهماهنگ زمین‌های کشاورزی به مسکونی، آلودگی و مسایل زیست‌محیطی، بهره‌برداری شدید از منابع، پویایی اقتصادی بالا و ضعف یا فقدان خدمات. محققان دیگر ویژگی‌های دیگری را نیز اضافه کرده‌اند: همجواری با شهر، وجود ارزش‌های روستایی و سنت، همجواری با بزرگراه‌ها، توسعه صنعتی و تجاری شدن و تغییر فعالیت کشاورزی. با وجود چنین تعاریفی، درک مفهوم پیرا-شهری به‌عنوان آمیزه‌ای ناهمگن از ویژگی‌های شهری روستایی بر این پیش فرض بنیادی صحت می‌گذارد که این مفهوم مکان - مینا است، ناحیه‌ای بین مراکز شهری و فضاهای روستایی، ناحیه‌ای بین شهرها و نواحی روستایی. اگرچه این مفهوم برای تعریف هاله شهری و لبه جغرافیایی شهرها به‌عنوان مکان به کار می‌رود، با وجود این، مفهوم فوق به‌عنوان فرایند و به معنی جریان کالاها و خدمات بین فضاهای فیزیکی و نیز به معنی گذار از زمینه روستایی به شهری نیز مورد توجه است (Dávila, 1999; Marshal et al, 2009).

همان طور که اشاره شد، این مفهوم علاوه بر شهرهای آفریقایی - انگلیسی زبان در کشور استرالیا نیز به کار می‌رود. طرح برنامه‌ریزی پایدار نواحی پیرا-شهری ملبورن این مفهوم را این گونه تعریف می‌کند: مناطق پیرامون



منبع: (Burnley and Murphy, 1995) به نقل از (Buxton et al, 2008, 26)

شهری، نواحی اطراف و گرداگرد شهرهاست که شهرها درون آنها گسترش یافته و بر آن نواحی نفوذ دارند («پیرا» به معنی فراسو، پیرامون و دورادور). نواحی پیرامون شهری را به راحتی می‌توان به‌عنوان نواحی حاشیه شهر و لبه نواحی شهری تعریف کرد که شهر در آن گسترش می‌یابد. تمامی توسعه‌های بیرونی زمین‌های شهری اساساً در نواحی پیرامون شهری روی می‌دهد، خواه در قالب ساخت‌وسازهای حومه‌ای یا نواحی مسکونی روستایی کم‌تراکم و یا انواع اشکال دیگر توسعه. نواحی پیرا-شهری را می‌توان در ارتباط با ناحیه شهری و در قالب مرز توسعه درونی آن، ناحیه روستایی و مرز بیرونی آن و نیز زمین‌های در بین^۶ تعریف کرد (Buxton et al, 2008, 25).

در مطالعه‌ای که دانشگاه ناتینگهام و لیورپول در سال ۱۹۸۸ انجام داده‌اند، ناحیه پیرا-شهری گستره‌ای است که در آن فرایندهای توسعه شهری و روستایی درهم آمیخته‌اند و در حاشیه شهر در هم تعامل می‌کنند. این ناحیه اغلب گستره‌ای کاملاً مشخص با مرزهای روشن نیست بلکه قلمرو پراکنده‌ای است که با ترکیب ویژگی‌ها و پدیده‌های آن که اساساً از سوی ناحیه شهری تولید می‌شود، روشن می‌گردد... توسعه ناحیه پیرا-شهری نتیجه اجتناب ناپذیر شهرنشینی است. شهر در جهان در حال توسعه رشد می‌کند و ناحیه پیرا-شهری به موازات آن به صورت موجی به حلقه‌های دورتر حرکت می‌کند (Adell, 1999, 8).

راکودی نیز تعریفی ارائه می‌دهد که در آن بر رابطه شهر و نواحی روستایی بلافصل آن تأکید شده است: ناحیه پیرامون شهری، ناحیه‌ای دینامیک از لحاظ فضایی و ساختاری است. به لحاظ فضایی، ناحیه گذاری است بین زمین‌های کاملاً شهری شده در شهرها و نواحی که اساساً کاربری کشاورزی دارد. ویژگی‌های عمده آن، ترکیب کاربری زمین و نوار و مرزهای نامشخص درونی و بیرونی است و به لحاظ شاخص بین نواحی اداری مختلف تقسیم شده است. زمین‌های پیرامون شهری در طول زمان و با گسترش شهر تغییر ماهیت می‌دهند. این ناحیه همچنین ناحیه تغییرات اقتصادی-اجتماعی ساختاری است که به واسطه فشار بر منابع طبیعی، فرصت‌های بازار کار در حال تغییر و الگوهای متغیر کاربری زمین خود را نشان می‌دهد (ibid).

شهرنگار

دوماهنامه شهرنگار

Shahrnegar

شماره ۵۶ و ۵۷

بخش ویژه

۲۱

۲.۱.۴. حاشیه یا جداره شهری^۷

در بریتانیا تعریف دقیقی برای مفهوم حاشیه یا جداره شهری وجود ندارد، اگرچه واژه هاله شهری اغلب برای توصیف ناحیه‌ای فراسوی ناحیه ساخته شده شهری که تحت فشار مداوم برای توسعه مسکونی است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مفهوم نسخه دیگری از مفهوم هاله روستاشهری^۸ است، واژه‌ای که ابتدا به‌وسیله کولمن در سال ۱۹۷۷ به‌عنوان توصیفی موهن از حاشیه شهری با توسعه نامشخص، کاربری مختلط و با تراکم کم که به‌عنوان عوارض تمرکززدایی شهری مطرح شده و در دید وی نتیجه قصور سیستم برنامه‌ریزی کاربری زمین در حفاظت از زمین‌های کشاورزی از هجوم شهرنشینی است.

ویراستار پروژه تحقیقاتی «حکمروایی شهرهای اروپایی در حاشیه شهر^۹»، مک‌الدونی^{۱۰}، مفهوم حاشیه شهری را توسعه‌های پیوسته قرن بیستمی به ناحیه ساخته شده شهری تعریف می‌کند که شامل اتحاد حومه‌های توسعه یافته در پیش و بین جنگ جهانی به همراه سکونتگاه‌های اواسط قرن و شهر-لبه‌های صنعتی و تجاری اواخر قرن بیستم است. به‌نظر می‌رسد این مفهوم نسخه فشرده‌ای

از مفهوم هاله روستایی_شهری است. به این ترتیب این مفهوم کم گستره تر و فشرده تر از مفهوم هاله روستایی_شهری است (McEldowney, 2004, 1-3).

۲.۱.۵. هاله شهری / هاله روستایی _ شهری

تی. ال. اسمیت در مقاله «جمعیت لوئیزیان: ترکیب و تغییرات آن» در سال ۱۹۳۷ برای نخستین بار مفهوم هاله شهری را طرح کرده است. مراد از این مفهوم در آن مقاله، ناحیه ساخته شده‌ای است که بیرون از مرزهای بلافصل

محدوده شهرداری شکل گرفته است (Pryor, 1968, 202). روبین تی. پریور در مروری جامع، فهرستی از مفاهیم و واژه‌های متعددی را که محققان برای ایجاد تمایز بین آنها تلاش کرده‌اند، ارائه داده است؛ برای مثال بین واژه‌ها و مفاهیمی چون هاله و حومه، یا بین هاله، حومه، شبه حومه، سکونتگاه‌های اقماری و سکونتگاه‌های شبه اقماری. وی اشاره می‌کند برخی از محققان به انواعی از حومه‌ها اشاره کرده‌اند که می‌توانست مترادف با هاله مورد نظر برخی محققان دیگر باشد. نوعی تمایز افکنی فضایی نیز بین

گام‌نویشت (۵) تعریف حریم شهر در استان رسمی کشور

حریم شهر، مستند به ماده ۹۹ قانون شهرداری با تصویب شورای شهر و تأیید وزارت کشور تعیین می‌گردد. در چارچوب این مستندات، هیأت وزیران در مصوبه ۶۷/۱۲/۱۸ خود، حریم شهر را به شرح زیر تعریف کرده‌اند:

حریم استحفاظی موضوع قانون زمین شهری عبارت است از حریم مصوب شهرها که بزرگتر و در برگیرنده محدوده قانونی بوده و در اجرای ماده ۹۹ قانون شهرداری تعیین شده یا می‌شود، چنانچه محدوده نهایی مشخص شده در طرح مصوب جامع یا هادی شهر بزرگتر از محدوده قانونی مصوب شهر و در شهرهای دارای حریم مصوب بزرگتر از حریم شهر باشد، محدوده نهایی طرح‌های مذکور حریم استحفاظی محسوب خواهد شد. در این صورت انجام اقداماتی از قبیل صدور پروانه ساختمان، مساحت زیربنا و... موضوع آیین‌نامه مربوط به استفاده از اراضی و احداث بنا و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مصوب ۱۳۵۵ بر روی اراضی حد فاصل بین محدوده قانونی یا حریم مصوب شهر و محدوده نهایی طرح‌های مذکور براساس مقررات آیین‌نامه مزبور و با رعایت تصمیمات شورای عالی شهرسازی صورت خواهد گرفت. طبق ماده (۹۹) قانون شهرداری‌ها، شهرداری‌ها مکلفند در مورد حریم شهر اقدامات زیر را معمول دارند:

الف) تعیین حدود حریم و تهیه نقشه جامع با توجه به توسعه احتمالی شهر

ب) تهیه مقرراتی برای کلیه اقدامات عمرانی از قبیل قطعه‌بندی، تفکیک اراضی، ایجاد ساختمان، باغ، خیابان‌کشی، ایجاد کارگاه و کارخانه و همچنین بقیه مقررات مربوط به حفظ بهداشت عمومی مخصوص به حریم شهر با توجه به نقشه عمرانی شهر.

مشکلات مربوط به تعدد تعاریف در زمینه حدود شهرها و لزوم یکسان‌سازی تعاریف، ضرورت تعیین «محدوده» و «حریم شهر» در

قالب طرح‌های توسعه و عمران شهرها سبب‌ساز تدوین و تصویب قانون تعاریف محدوده شهر و روستا و حریم شهر در دی ماه ۱۳۸۴ گردید. براساس این قانون "حریم شهر عبارت است از قسمتی از اراضی بلافصل پیرامون محدوده شهر که نظارت و کنترل شهرداری در آن ضرورت دارد و از مرز تقسیمات کشوری شهرستان و بخش مربوط تجاوز ننماید. به منظور حفظ اراضی لازم و مناسب برای توسعه موزون شهرها با رعایت اولویت حفظ اراضی کشاورزی، باغات و جنگل‌ها، هر گونه استفاده برای احداث ساختمان و تأسیسات در داخل حریم شهر، تنها در چارچوب ضوابط و مقررات مصوب طرح‌های جامع و هادی امکان‌پذیر خواهد بود... نظارت بر احداث هر گونه ساختمان و تأسیسات که به موجب طرح‌ها و ضوابط مصوب در داخل حریم شهر مجاز شناخته شده و حفاظت از حریم به استثناء شهرک‌های صنعتی (که در هر حال از محدوده قانونی و حریم شهرها و قانون شهرداری‌ها مستثنی می‌باشند) بر عهده شهرداری مربوط می‌باشند... هر گونه ساخت‌وساز غیرمجاز در این حریم تخلف محسوب و با متخلفین طبق مقررات رفتار خواهد شد."

نکته مهم در لایحه فوق که تا حدودی به شبهات مربوط به تعدد تعاریف محدوده‌های شهری خاتمه می‌دهد ماده ۱۰ آن می‌باشد که در آن به این نکته اشاره شده است که عناوین آورده شده در لایحه (محدوده و حریم) جایگزین کلیه عناوین متناظر آنها از جمله «محدوده قانونی»، «حدود قانونی»، «حوزه شهرداری»، «حدود مصوب شهر» و نظایر آنها، در مورد محدوده شهر «محدوده استحفاظی»، «محدوده مسکونی روستا» یا «حدود روستا» در مورد محدوده روستا و «محدوده قانونی شهرک» می‌گردد و هر ترتیب دیگری که در مورد تعاریف محدوده و حریم شهر، محدوده شهرک و روستا و نحوه تعیین آنها با هر عنوان دیگری در قوانین و مقررات قبلی مقرر شده باشد، با تصویب این قانون ملغی خواهد شد.

منبع: نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران (۱۳۸۵)

شهرنگار

دوماهنامه شهرنگار
Shahrnegar

شماره ۵۷ و ۵۶

بخش ویژه

۲۲

به سرعت و با محدودیت کم، قابل تبدیل به کاربری شهری باشد و این خود موجب افزایش قیمت زمین و فشار بر کشاورزان به ویژه کشاورزان کوچک برای فروش زمین‌هایشان می‌گردد و ساخت‌وساز گران تبدیل به مالکان جدید این زمین‌ها شده و در نهایت از زمین‌ها به نفع خود بهره‌برداری کرده و یا دوباره آنها را به ساخت‌وساز گران جدید می‌فروشند (ibid).

از بعد زیرساختی و خدماتی می‌توان ادعا کرد که زیرساخت‌ها در هاله شهری تا اندازه‌ای ناکافی و ناکارآمدند. حمل‌ونقل عمومی همانند نواحی شهری گسترش ندارد. هاله شهری همچنین مکان برخی کاربری‌هایی است که به واسطه قوانین و مقررات منطقه‌بندی و یا فقدان فضای کافی در شهر مرکزی در نواحی شهری، امکان استقرار ندارند، مانند نواحی دفع زباله و فاضلاب یا امکانات تفریحی و سرگرمی بزرگ مقیاس مانند باغ‌وحش یا شهربازی. برخی فعالیت‌های کشاورزی در هاله بسیار موفقند زیرا نزدیکی به ناحیه کلانشهری باعث می‌شود که به راحتی محصولات خود را در فاصله کوتاه به فروش برسانند.

از دید منابع مختلف، هاله به دو بخش هاله درونی (هاله شهری) و هاله بیرونی (هاله روستایی) تقسیم می‌شود که در مجموع می‌توان با ترکیب آنها از مفهوم هاله شهری-روستایی سخن به میان آورد (Pryor, 1968; Adell, 2009; Pitzl, 2004; Avram, 2009).

الف- هاله درونی یا هاله شهری: شامل زیر ناحیه‌ای از هاله گسترده‌تر روستایی-شهری است که در پیوند و پیوست با شهر مرکزی است، دارای تراکم مسکونی بالاتر از تراکم متوسط کل هاله روستایی شهری، میزان بالاتری از تراکم جمعیت، تغییر کاربری زمین و سفرهای آونگی است.

ب- هاله بیرونی یا هاله روستایی: یک زیر ناحیه از هاله روستایی شهری است که در پیوند و پیوست با هاله شهری است، دارای تراکم مسکونی کمتر از میانگین تراکم کل هاله روستایی شهری، نسبت مزارع بالاتر نسبت به زمین‌های بایر و غیر کشاورزی و دارای میزان پایین‌تری از تراکم جمعیت، تغییر کاربری زمین و سفرهای آونگی است.

۲.۱.۶. محدوده اعمال قدرت فرا-مرزی

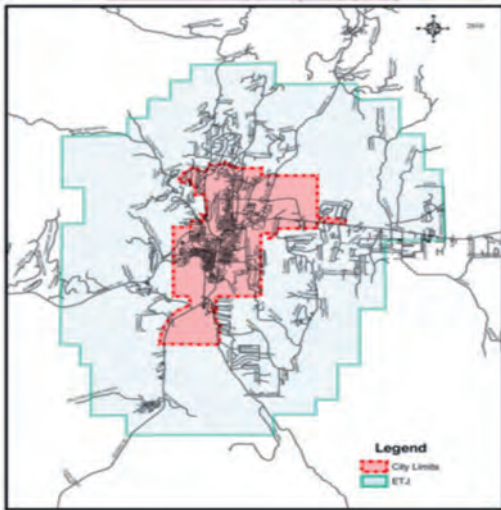
این محدوده، یک مفهوم رسمی و برنامه‌ریزی است و بیشترین مشابهت را با آنچه ما در ایران حریم شهری

مفهوم هاله شهری و هاله روستایی شهری، هاله محدود^{۱۲} و هاله گسترش یافته^{۱۳}، بین ناحیه هاله حومه‌ای^{۱۴} و ناحیه همجوار حاشیه‌ای^{۱۵}، بین نواحی هاله‌ای درونی و بیرونی^{۱۶} صورت گرفته است. دسته‌بندی اداره آمار آمریکا به تمایز دیگری بین هاله شهری، هاله روستایی مزرعه‌ای^{۱۷} و هاله روستایی غیر مزرعه‌ای^{۱۸}، و یا بین هاله تمام عیار و هاله جزئی^{۱۹} اشاره دارد. علایق اکولوژیست‌های انسانی به افزوده شدن واژه‌های تعریف نشده دیگری چون هاله روستشهری یا روستشهرنشینی^{۲۰} در ادبیات انجامیده است (ibid). مرور متون مرتبط با مفهوم هاله شهری یا هاله روستایی-شهری نشان از محدوده‌ای است که بین مرکز شهری یا کلانشهری در حال رشد و محدوده ساخته شده آن (ناحیه کاملاً شهری) با پسرکرانه روستایی^{۲۱} (ناحیه کاملاً روستایی با ویژگی اصلی فقدان مسکن، اشتغال و کاربری زمین غیر کشاورزی) قرار دارد (Pryor, 1968; Adell, 1999; Pitzl, 2004; Avram, 2009). این ناحیه، ترکیبی از کاربری‌های شهری، حومه‌ای و روستایی با ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی مربوطه است. منابع مختلف، هاله روستایی-شهری را ناحیه‌ای معرفی می‌کنند که در ابعاد جمعیت شناختی، اجتماعی و کاربری زمین به سرعت در حال گذار است. هاله در شرایط تغییر مداوم قرار دارد زیرا زمین‌های روستایی مدام تحت تأثیر تقاضای صاحبان کسب‌وکار برای زمین‌ها و محوطه‌های باز وهمجوار با بازار، به نواحی و کاربری‌های شهری تغییر کاربری می‌دهند. زمانی که ناحیه هاله‌ای جدید کاملاً شهری شد، هاله جدیدی ظاهر می‌شود و دوباره فرایند توسعه هاله جدید از نو سر می‌گیرد (Pitzl, 2004). اندازه هاله و ویژگی‌های خاص آن از محلی به محل دیگر و تحت تأثیر عواملی چون اندازه شهر مرکزی، کنترل‌های نهادی بر ساخت‌وساز (منطقه بندی) و شرایط اقتصادی-اجتماعی متفاوت است. چه در کشورهای غربی و چه غیر غربی، هاله ترکیبی از ویژگی‌های روستایی و غیر روستایی است. این نوع ترکیب و اختلاط مردم (افزایش تقاضا برای تفریحات و امکانات غیر روستایی) در نهایت موجب آسیب دیدن زمین‌ها و محصولات کشاورزی و نیز افزایش ارزش زمین در نتیجه سوداگری گشته و در نهایت به رانده شدن کشاورزان از زمین‌های خود می‌انجامد.

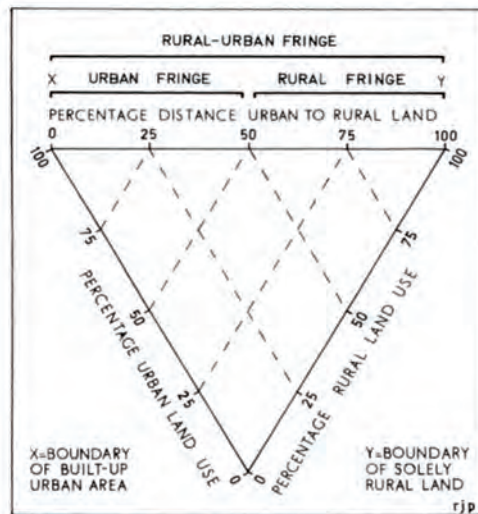
لازم به یادآوری است که نزدیکی به محیط شهری، تقاضا برای هاله شهری را افزایش می‌دهد. به‌ویژه اگر زمین

تصویر ۲: نقشه محدوده و ناحیه اعمال کنترل فرا-مرزی (حریم)

سیلور سیتی



نمودار ۱: طرح شماتیک کاربری زمین در هاله روستایی شهری



منبع: Pryor, 1968, 205

۲.۲. محدوددها و مفاهیم لکه‌ای-پهنه‌ای

۲.۲.۱. سکونتگاه‌های فرا-شهری^{۳۳}

یک ناحیه پیرامون ناحیه کلانشهری و فراسوی نوار حومه‌ای و درون هاله سفرهای آونگی کلانشهر مرکزی است که محل تلاقی چشم‌اندازهای شهری و روستایی است. به واسطه ویژگی سکونتی غالب آن و تعامل عملکردی اجتماعی و اقتصادی با شهر مرکزی، این ناحیه واجد ماهیت غالب شهری است. سکونتگاه‌های فرا-شهری، نوع خاصی از سکونتگاه‌های شبه-شهری و متشکل از اجزای منفصل شهری هستند که محصور در نواحی روستایی‌اند و البته به آنها متعلق نیستند. این ناحیه با تراکم بسیار اندک شهری دارای الگوی سکونتی پراکنده‌ای است شامل: تفکیک‌های مسکونی کم تراکم، املاک انحصاری، خانه‌های سیار، مزارع کشاورزی، کلبه‌های روستایی و کسب و کارهای کوچک که درون کشتزارهای با خدمات مرتبط (اگرچه اندک) و مراکز شهری کوچک قرار گرفته‌اند. این ترکیب متنوع از کاربری زمین نتیجه یکپارچه‌سازی اجزای ناهمگون اقتصادی و فضایی است که با گسترش شهری روی می‌دهد. رشد شهری به واسطه تشدید فرایند حومه‌نشینی نهایتاً منجر به شکل‌گیری سکونتگاه‌های فرا-شهری می‌شود و این نواحی نیز با تشدید فرایند به نواحی حومه‌ای تغییر ماهیت می‌دهند. توسعه و شکل‌گیری نواحی فرا-شهری شدیداً وابسته به اجرای سیستم حمل‌ونقل و افزایش تعداد و گسترش راه‌ها است که اجازه گسترش محدوده‌های نواحی

می‌نمایم دارد. بررسی نظام حکومت شهری در آمریکا نشان می‌دهد که بسیاری از ایالات این کشور دارای قوانینی هستند که به حکومت شهری اجازه می‌دهد تا بر قلمروهای بلافصل پیرامون شهر در زمینه "منطقه بندی" اعمال قدرت نماید. معمولاً گستره این حوزه اعمال قدرت فرا-مرزی براساس مفهوم حوزه نفوذ و جمعیت شهری تعریف می‌شود. یعنی هرچه جمعیت و حوزه نفوذ شهر مرکزی بیشتر باشد، گستره اعمال قدرت فرا-مرزی نیز بیشتر خواهد بود. براساس قانون، شهرداری وظیفه‌ای در قبال خدمات‌رسانی عمومی به این حوزه یا حریم ندارد ولی می‌تواند در زمینه منطقه‌بندی و تعیین ضوابط و مقررات ساخت‌وساز در این حوزه که اثرات مستقیمی بر محدوده شهرداری دارد، اعمال نظر نموده و کنترل توسعه در آن نواحی را در دست بگیرد. در ایالات متحده، مرزها و حدود شهر معمولاً به طور رسمی و در قوانین ایالتی یا قلمرویی یا مقررات مرتبط مانند اسناد طرح جامع تعریف می‌شود. محدوده این مرزها تحت کنترل حکومت شهرداری و یا نهادهای خدماتی مرتبط است. املاک موجود در محدوده شهر تابع مالیات و مقررات شهرداری است و شهرداری به آنها خدمات‌رسانی می‌کند. نواحی بیرون از مرزهای شهر جزو نواحی تأسیس نیافته به لحاظ حقوقی است و در بسیاری از ایالات تابع مالیات وضع شده از سوی شهرستان یا کانتی است و خدمات خود را نیز از آن نهاد دریافت می‌کند.

شهرنگار

دوماهنامه شهرنگار
Shahrnegar

شماره ۵۶ و ۵۷

بخش ویژه

۲۴

فرا_شهری را امکان‌پذیر می‌سازد. نواحی فرا_شهری، محل استقرار افرادی است که اغلب برای اشتغال خود در نوار حومه‌ای بیرونی یا دیگر نواحی فرا_شهری در سفر مداوم با مسافت‌های طولانی هستند. این دسته ساکنان برای زیرساخت‌ها و خدمات به اجتماعی وابسته هستند که در نزدیکی آنها یا در هاله کلانشهری قرار دارند و یا به خریدهای اینترنتی و خدمات بسته‌رسانی متکی هستند. نواحی فرا_شهری در لبه‌ها و حاشیه پراکنده‌رویی شهری مدرن قرار دارند و ممکن است در نوار حومه‌ای بیرونی کلانشهری در حال رشد تعریف شوند (Caves, 2005; Pitzi, 2004).

مهاجرت به بیرون نتیجه ترجیح و اولویت افراد به کیفیت زندگی بالاتر، شیوه زندگی حومه‌ای، سکونت روستایی، خانه‌های بزرگتر، فضای باز، زمین‌ها و خانه‌های ارزان‌تر، نرخ مالیات پایین‌تر، نرخ جرم و جنایت پایین‌تر و حس اجتماع محلی است که همگی منجر به توسعه اجتماعات زیست‌پذیر به دور از مسایل شهرهای مرکزی می‌شود. فرا_شهرنشینی^{۳۴} به پیش شرط‌هایی از جمله گسترش اتومبیل و امکان‌پذیری ساده تغییر کاربری زمین از روستایی به شهری تحت تأثیر فشار بازار قرار دارد. این واژه ابتدا در سال ۱۹۵۵ به وسیله آگوسته اسپکتروسکی وضع شد و بعدها در ایالات متحده رواج بسیار یافت، به ویژه در دهه ۱۹۷۰ که طی آن قطعات مسکونی کاملاً مجزا در خارج هاله کلانشهری و در نتیجه ساخت بزرگراه‌های بین شهری و ترمیم راه‌های ایالتی و محلی در پسکرانه روستایی شکل گرفتند (Pitzi, 2004).

این واژه به گونه‌ای گسترش یافت که اکنون به هرگونه الگوی کاربری زمین اجتماعات محلی که در بیرون هاله بسیاری از نواحی کلانشهری در قرن بیستم شکل گرفته‌اند، اطلاق می‌شود. برخی مواقع این واژه به نادرست به واژه‌هایی چون حومه‌های بیرونی، شهرک‌های اقماری و شهر_لبه‌ها اطلاق می‌شود که خود آن واژه‌ها مناسب بیشتری دارند.

نواحی فرا_شهری معمولاً در فاصله ۳۰ مایلی لبه نوار حومه‌ای شهرک‌های ۵۰ هزار نفری و تا ۷۰ مایلی فراسوی هاله شهری شهرهای حداقل ۵۰۰ هزار نفری یافت می‌شود. سکونتگاه‌های فراشهری معمولاً ترکیبی از ساکنان بومی و جدید است که افراد تازه وارد حداقل هر روز نیم ساعت را

صرف سفرهای آونگی به محل کار می‌کنند. تراکم چنین نواحی در امریکا حدود ۹۳ نفر در مایل مربع است، در حالی که تراکم میانگین شهری و روستایی به ترتیب هزار و ۱۴۹ و چهار نفر در مایل مربع است. در شرایطی که توسعه‌های کاملاً شهری در امریکا ۵۵ درصد جمعیت را در دودرصد سرزمین جای داده‌اند، سکونتگاه‌های فرا_شهری ۳۷ درصد جمعیت را در ۱۴ درصد سرزمین جای داده‌اند (ibid).

۲.۲.۲. شهر_لبه

شهر لبه، واژه‌ای است که برای ارجاع به لبه یک ناحیه شهری و متراکم از کسب‌وکار، سرگرمی، خرید و تفریح مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخی استدلال می‌کنند که شهر_لبه به شکل اصلی رشد شهری در جهان بدل شده است که هرچه بیشتر حومه‌های مسکونی را به دورتر از هسته‌های شهری سوق می‌دهد. شهر_لبه، موج سوم تاریخ شهری است که شهرنشینان را به جبهه جدیدی در لبه و حاشیه کلانشهرها هدایت می‌کند. ژول گارو^{۳۵} با بررسی در ایالات متحده، ۱۲۳ مکان شهری، در واقع شهر لبه را تعریف نمود. ۸۳ مورد دیگر نیز شهر لبه‌های برنامه‌ریزی شده و در حال ظهور جدید بودند. از فهرست اول حدود ۲۴ شهر_لبه در لس‌آنجلس، ۲۳ مورد در واشنگتن و ۲۱ مورد در شهر منطقه نیویورک بوده‌اند. برای شهر_لبه چندین ویژگی مشخص شناسایی شده است که عبارتند از (Hutchinson, 2009):

۱. ناحیه باید بیش از پنج میلیون فوت مربع فضای اداری_دفتتری داشته باشد (در حد فضای اداری یک ناحیه شهری مرکزی)،
۲. این مکان باید شامل بیش از ۶۰۰ هزار فوت مربع فضای خرید باشد (به اندازه یک مرکز خرید منطقه‌ای بزرگ)،
۳. جمعیت این گونه مکان‌ها در صبح زیاد شده و بعدازظهر کاهش می‌یابد (یعنی اشتغال بیشتر از واحدهای مسکونی است)،
۴. این نوع مکان‌ها به عنوان یک مقصد واحد و غایی شناخته می‌شوند (مکانی شامل همه امکانات، سرگرمی‌ها، خرید، تفریح و ...)
۵. این ناحیه نباید چیزی شبیه شهرهای ۳۰ سال گذشته باشد.

شهرنگار

دوماهنامه شهرنگار

Shahrnegar

شماره ۵۶ و ۵۷

بخش ویژه

۲۵

گارو یادآوری می‌کند که تعریف مرزهای واقعی شهر لبه‌ها دشوار است زیرا آنها فاقد چهره بصری و یا سازمان سیاسی شهرهای قدیمی هستند (آن‌ها چندان مترکم نبوده و دارای مقامات منتخب شهری نیستند و معناشناسی فضا و طراحی در آنها متفاوت است). گارو اظهار می‌دارد که شهر_لبه‌ها هدفمندترین تلاش امریکاییان بعد از کشف امریکا به‌وسیله پدرانشان برای خلق چیزی شبیه بهشت موعود است. فراسوی دسته‌بندی مکان مینا براساس ساختار فیزیکی و کارکرد اقتصادی شهر، شهر_لبه‌ها فراسوی مرزهای سیاسی شهر مرکزی و شهرداری‌های حومه‌ای تعریف می‌شوند. دلیل اینکه تعریف این مکان‌ها دشوار است، برای آن است که به‌ندرت دارای شهردار و شورای شهر هستند. تعریف شهر لبه از دید گارو کاملاً در تناقض با تعریف شهر در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی است (نظرات ماکس وبر در تعریف شهر براساس وجود منشور شهری و امکان دفاع از حقوق شهروندی و ...). زیرا مرزهای سیاسی مشخصی ندارد و از این رو نمی‌تواند دارای اقتدار سیاسی و توانایی تنظیم فعالیت‌ها یا حفظ حقوق و امتیازات شهروندی باشد.

۲.۲.۳. شهرهای اقماری

شهرهای اقماری، شهرهای کوچک یا متوسط نزدیک کلانشهرهای بزرگ هستند که جمعیت رو به بیرون برای توسعه‌های حومه‌ای را به خود جذب می‌کنند. این نواحی سکونتی به لحاظ اقتصادی مستقل و یا حداقل نیمه‌مستقل از شهر مرکزی هستند و با نواحی روستایی از شهر مرکزی به لحاظ فیزیکی جدا گشته‌اند. شهرهای اقماری برای خود دارای اجتماعات خوابگاهی پیرامونی هستند و در ساخت درونی خود دارای مرکز شهر قدیمی و نواحی درون شهری سنتی هستند. شهرهای اقماری به لحاظ ماهیت از سکونتگاه‌های حومه‌ای متمایز هستند؛ زیرا خود دارای پایه اقتصادی و مشخصات فرهنگی مستقل از شهر مرکزی هستند. شهرهای اقماری از شهر لبه‌ها نیز متمایز هستند، زیرا شهر لبه‌ها نواحی هستند با کاربری‌های غالب غیر سکونتی (فعالیت و کسب و کار اقتصادی، خرید، تفریح و سرگرمی) با پایه اقتصادی نیرومند و ویژگی‌های فرهنگی کاملاً مشخص، اغلب فاقد حکومت شهرداری و شورای شهر و ...، در عوض شهرهای اقماری دارای مرکز شهر قدیمی و تاریخی و حکومت شهرداری مستقل و محصور

در نواحی و کمربند روستایی هستند. شهر اقماری به همراه سکونتگاه‌های پیرامونی خود، مینیاتوری از یک ناحیه کلانشهری کوچک است، در حالی که شهر لبه صرفاً یک گره فعالیت است.

همان‌گونه که اشاره شد، دو دسته مفاهیم در ارتباط با محدوده‌های فراسوی ناحیه ساخته شده شهری یا کلانشهری را می‌توان از همدیگر متمایز نمود: الف) مفاهیم و محدوده‌های برنامه‌ریزی و ب) مفاهیم و محدوده‌های جغرافیایی_فضایی. حریم شهری (ایران)، کمربند سبز (کشورهای اروپایی و کانادا) و محدوده اعمال قدرت فرامرزی (امریکا) از جمله محدوده‌های سیاستی و برنامه‌ریزی محسوب می‌شوند که اساساً برای ممانعت، کنترل و یا هدایت توسعه کلانشهری تعریف و تعیین می‌شوند. سایر موارد، محدوده‌ها و مفاهیم جغرافیایی و فضایی هستند که به‌عنوان دستاورد نظریه‌پردازی علمی برای تشخیص و تمیز محدوده‌های مختلف پیرامون شهرها و کلانشهرها که هر یک ویژگی‌های منحصر به فردی دارند، ساخته و پرداخته شده‌اند. برخی از این محدوده‌ها، نقطه‌ای یا پهنه‌ای هستند و برخی دیگر مانند هاله روستایی_شهری (جامع‌ترین و پرکاربردترین مفهوم جغرافیایی_فضایی) یا نواحی پیرا_شهری ماهیتی خطی_حلقوی دارند. به‌عبارت دیگر در شکل یک نوار یا کمربند پیرامون شهر یا کلانشهر مرکزی گسترده شده‌اند.

با این وجود، نوعی همپوشی نیز در بین این دو دسته مفاهیم وجود دارد. حریم شهرها یا کمربند سبز به‌عنوان محدوده برنامه‌ریزی نمی‌تواند جایی خارج از محدوده هاله روستایی_شهری به‌عنوان محدوده فضایی و جغرافیایی واقع شود. به این ترتیب هرچه گستره محدوده برنامه‌ریزی یا حریم شهرها وسعت بیشتری داشته باشد، می‌تواند وسعت بیشتری از هاله روستایی_شهری را شامل شود. براساس تعریف، حریم کلانشهر می‌تواند به‌گونه‌ای تعیین شود که در حالت معمول ناحیه یا نوار هاله درونی یا هاله شهری را شامل شود و در گام‌های پیش رونده‌تر هاله بیرونی یا روستایی را نیز دربرگیرد.

موضوع مقاله حاضر (همان‌گونه که پیشتر اشاره شد) نه بررسی محدوده‌های فضایی و جغرافیایی مختلف مورد بحث در اینجا بلکه بحث و بررسی پیرامون دو شکل رایج از حریم به‌عنوان محدوده و قلمرو برنامه‌ریزی در سایر

جدول ۱: گونه شناسی مفاهیم و محدوده‌های فراسوی ناحیه ساخته شده شهری

مفاهیم ویژگی‌ها محدوده‌ها	خطی _حلقوی	نقطه‌ای _لکه‌ای	ماهیت مفهوم و محدوده	ویژگی اصلی
کمربند سبز	*		رسمی و برنامه‌ریزی	نوعی از حریم برای ایجاد ممانعت کامل از توسعه پیوسته و افقی در محدوده بلافاصل شهر.
سکونتگاه‌های فرا- شهری		*	جغرافیایی- فضایی	نواحی سکوتی شبه شهری محصور در نواحی روستایی در دورترین نقطه ممکن حوزه سفرهای آونگی شهر مرکزی
سکونتگاه‌های حومه‌ای	*		جغرافیایی- فضایی	نواحی سکوتی به لحاظ سیاسی مستقل، دارای شهرداری و دارای پیوستگی کالبدی با شهر مرکزی
نواحی پیرا- شهری	*		جغرافیایی- فضایی	مفهومی تقریباً مشابه با هاله روستایی شهری با کاربرد بیشتر در کشورهای افریقایی انگلیسی زبان، هند و استرالیا.
شهر _ لبه	*		جغرافیایی- فضایی	نواحی شهری با کاربری‌های متراکم از کسب و کار، سرگرمی، خرید و تفریح، عدم غلبه فعالیت سکوتی، موج سوم شهرنشینی، فاقد شورا و شهرداری.
هاله شهری/ هاله روستایی-شهری	*		جغرافیایی- فضایی	رایج‌ترین مفهوم و محدوده برای ناحیه‌ای مابین پهنه کاملاً شهری و پس کرانه روستایی. تقسیم به دو محدوده هاله شهری (هاله درونی) و هاله روستایی (هاله بیرونی)
حاشیه و جداره شهری	*		جغرافیایی- فضایی	نوع فشرده هاله روستایی- شهری. محدود به قلمرو بلافاصل ناحیه شهری.
حریم شهری	*		رسمی و برنامه‌ریزی	محدوده‌ای که به شکل نواری در گرداگرد ناحیه شهر شده تعریف می‌شود و شهر مرکزی برای توسعه در آن مقررات منطقه بندی خاصی وضع کرده و بیشتر به عنوان ذخیره‌ای برای توسعه آینده از آن استفاده می‌شود.
شهرهای اقماری	*		جغرافیایی- فضایی	شهرهایی کوچک و متوسط در فاصله نزدیک به شهر مرکزی ولی به لحاظ کالبدی مجزا از آن. نیمه مستقل از شهر مرکزی به لحاظ اقتصادی و اشتغال
محدوده اعمال قدرت فرا-مرزی	*		رسمی و برنامه‌ریزی	بسیار شبیه مفهوم حریم در کشور ایران است. قلمرو بلافاصل پیرامون ناحیه ساخته شده شهری است که شهرداری بر اساس قانون می‌تواند ضوابط منطقه‌بندی در آنجا را تدوین و توسعه را براساس آن کنترل نماید.

شهرنگار

دوماهنامه شهرنگار
Shahrnegar

شماره ۵۶ و ۵۷

بخش ویژه

۲۷

کشورهاست: الف) کمربند سبز و ب) محدوده‌های اعمال قدرت فرا_مرزی. مقاله حاضر در ادامه تلاش می‌کند تا آموزه‌ها و درس‌های قابل انتقال از تجربیات سایر کشورها در زمینه تعریف محدوده‌های برنامه‌ریزی پیرامون کلانشهرها و کارکرد آنها و نیز شیوه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت آن‌ها را برای استفاده در شرایط ایران بررسی و فهرست نماید.

۳. آموزه‌ها و درس‌های منتج از تجربیات سایر کشورها در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت حریم

نتیجه بررسی اکتشافی مفاهیم مختلف که از سوی اندیشمندان مطالعات شهری ساخته و پرداخته شده‌اند، حاکی از وجود دو مفهوم برنامه‌ریزانه است که با مفهوم حریم در ایران کم‌وبیش انطباق پیدا می‌کنند. این دو مفهوم، کمربند سبز و ناحیه اعمال کنترل فرا_مرزی است. در این بخش، تجربیات چهار کلانشهر شناخته شده در زمینه تعریف این دو محدوده و شیوه برنامه‌ریزی و مدیریت آنها بررسی و موضوع مطالعه تفصیلی قرار گرفته است. نتیجه اولیه بررسی این تجارب نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی و مدیریت محدوده‌های حفاظتی پیرا_شهری از یک چارچوب نظری و عملی واحد و یکپارچه پیروی نمی‌نماید و از این رو برای دستیابی به روش‌ها و سازوکارهای ممکن در این زمینه، مرور و تحلیل تجارب جهانی موجود می‌تواند مفید و مؤثر واقع شود. در این بخش تلاش می‌شود با مرور تجربیات لندن، پاریس، تورنتو و دالاس در دو حوزه سازوکار حکمروایی منطقه‌ای و مدیریت محدوده پیرا_شهری، آموزه‌هایی در این زمینه برای ایران ارائه گردد. چهار نمونه انتخاب شده برای مرور تجربیات جهانی از جمله نمونه‌های شاخص در موضوع به حساب می‌آیند. لندن شاخص‌ترین و پیشگام‌ترین کلانشهر در زمینه تعریف کمربند سبز و برنامه‌ریزی و مدیریت آن محسوب می‌شود. پاریس دومین کلانشهر بزرگ اروپایی است و تورنتو همانند لندن در امریکا در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت کمربند سبز مطرح است. دالاس نیز از جمله شهرهای بزرگ امریکاست که در آن محدوده اعمال قدرت فرا_مرزی به‌عنوان یک محدوده برنامه‌ریزی و حفاظتی پیرا_شهری تعریف و به اجرا درآمده است.

۳.۱. لندن

جدا از سازوکار اداره لندن بزرگ در قالب ساختاری دو

سطحی که در سطح نخست آن حکومت لندن بزرگ^{۲۶} (GLA) قرار دارد، در ارتباط با سیاست‌های قلمرویی و محدوده‌های حفاظتی توسعه لندن، کمربند سبز کلانشهری لندن^{۲۷} بیش از هر چیز دیگر اهمیت دارد. کمربند سبز لندن تقریباً پنج‌هزار کیلومتر مربع مساحت دارد که ۹۰ درصد از آن در خارج از مرزهای لندن بزرگ قرار دارد. کمربند سبز لندن بزرگ‌ترین کمربند سبز شهری در کشور انگلستان است و ایده اولیه برای ایجاد یک «حلقه سبز» در اطراف شهر لندن، ریشه در نظریات ریچارد آنونین، مشاور فنی کمیسیون برنامه‌ریزی منطقه‌ای لندن بزرگ در سال ۱۹۳۳ دارد. کمربند سبز لندن در سال ۱۹۴۵ در وسعتی به اندازه حدود دویستم مساحت کنونی اجرا شد. در سال ۲۰۰۶ مساحت کمربند سبز لندن حدود ۴۸۴ هزار و ۱۷۳ هکتار بوده است. منطقه وسیع کمربند سبز پیرامون لندن در برگیرنده اراضی طبیعی و پهنه‌های ارزشمند زیست‌محیطی از قبیل جنگل، رودخانه و اراضی کشاورزی است. تقریباً ۹۲ درصد از کمربند سبز لندن، اراضی توسعه نیافته است. اما تنها ۵۸ درصد از این اراضی به‌عنوان اراضی کشاورزی ثبت شده‌اند. ۱۴ درصد از اراضی کمربند سبز، اراضی کشاورزی درجه یک یا دو هستند و این بدان معناست که شامل بهترین و حاصلخیزترین اراضی هستند. حدود ۵۵ درصد از اراضی کمربند سبز لندن منظر اصلی خود را در قالب درختان، فضای جنگلی و رودخانه‌ها حفظ نموده‌اند. ۱۸ درصد از اراضی کمربند سبز، درختزار (جنگلی) هستند. حدود پنج درصد نیز به‌عنوان سایت‌های فعالیت‌های علمی خاص پیش‌بینی شده‌اند.

تصویر ۳: کمربند سبز لندن



منبع: CIELAP, 2010:9

مهم‌ترین ویژگی‌های کمربند سبز لندن بدین شرح است:
۱. نهادهای گسترده بخش عمومی، دولتی و خصوصی

ایل دو فرانس و سازو کارهای برنامه‌ریزی و توسعه شهری و منطقه‌ای وابسته به آن، که مهم‌ترین آنها مؤسسه برنامه‌ریزی و توسعه شهری منطقه‌ای ایل دو فرانس پاریس موسوم به یوریف (IAURIF)^{۳۵} است جستجو نمود. سازوکار حراست از محدوده پیراشهری ایل دو فرانس، عمدتاً در قالب کمربند سبز ایل دو فرانس صورت می‌گیرد.

طرح جامع منطقه‌ای جدید ایل دو فرانس (Région Ile-de-France, 2007)، تأکیدی جدید بر اهمیت کمربند سبز (معادل ceinture verte در زبان فرانسه) به عمل آورده است و شورای منطقه‌ای ایل دو فرانس^{۳۶} در تحقق این موضوع تلاش می‌کند. اکنون کمربند سبز به‌عنوان ناحیه‌ای خاص از منطقه ایل دو فرانس^{۳۷} مورد توجه قرار دارد.

ناحیه کمربند سبز^{۳۸} ایل دو فرانس، محدوده‌ای است که در فاصله ۱۰ تا ۳۰ کیلومتری شهر نسبتاً کوچک پاریس (۱۰،۵۰۰ هکتار) واقع شده است. این کمربند سبز ۲۶۶ هزار هکتار مساحت دارد که به معنای ۲۲ درصد از کل مساحت منطقه ایل دو فرانس است. بنابراین مساحت کمربند سبز پاریس حدود نصف کمربند سبز لندن است که برای برنامه‌ریزان منطقه‌ای ایل دو فرانس، به‌عنوان الگو و مرجعی مهم مورد توجه قرار گرفته است. جدا از ماهیت حلقه‌ای شکل کمربند سبز پاریس، ماهیت سبز آن دارای اهمیت است، به گونه‌ای که ۶۰ درصد مساحت آن را جنگل‌ها و اراضی کشاورزی تشکیل می‌دهد. محدوده کمربند سبز پاریس، با دربرگرفتن فضاهای سبز و جنگلی، حلقه‌ای نسبتاً پیوسته را به دور ناحیه شهری مرکزی پاریس تشکیل می‌دهد. «با نسبت ۳۲ درصدی اراضی کشاورزی، ناحیه کمربند سبز ۱۳ درصد از اراضی کشاورزی منطقه ایل دو فرانس را دربرمی‌گیرد، اما به سبب وجود یک بازار

در نظارت بر فرآیند حفاظت و توسعه کمربند سبز لندن تأثیرگذار هستند. سازمان غیردولتی (NGO) با نام «کمپین حفاظت از انگلستان روستایی (CPRE)»، شورای کمربند سبز لندن، وزارت محیط‌زیست، تغذیه و امور روستایی (Defra) انگلستان، مهم‌ترین آنها محسوب می‌شوند.

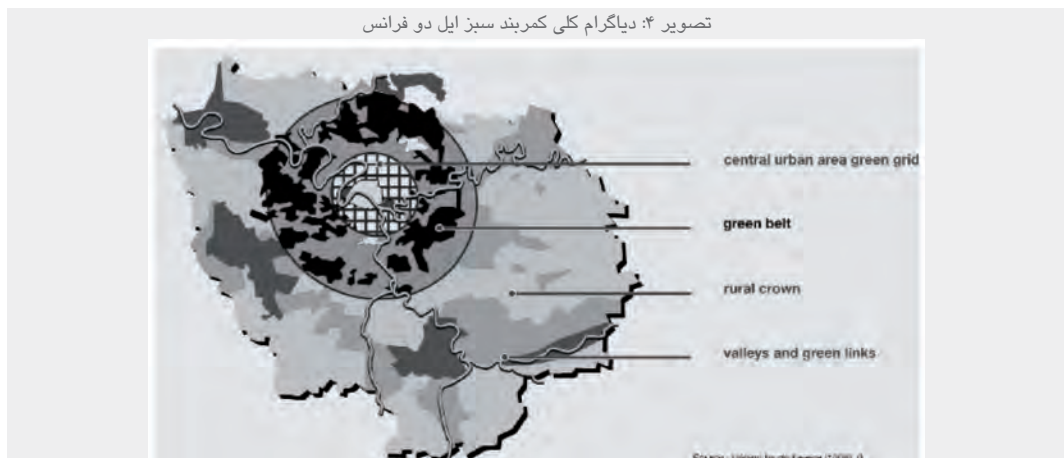
۲. قانون کمربند سبز سال ۱۹۳۸^{۳۸}، قانون حکومت لندن بزرگ ۱۹۹۹^{۳۹}، قانون برنامه‌ریزی شهری و محلی ۱۹۹۱^{۴۰}، قانون برنامه‌ریزی و خرید اجباری^{۴۱} از مهم‌ترین قوانین تأثیرگذار کنونی بر کمربند سبز لندن محسوب می‌شوند.

۳. طرح‌های متعددی چون طرح ابنزر هاوارد (۱۸۹۸)، طرح ابرکرامبی (۱۹۹۴)، طرح توسعه لندن بزرگ (۱۹۷۶) و طرح لندن (۲۰۰۴)^{۴۲} از مهم‌ترین طرح‌هایی هستند که تا امروز بر کمربند سبز لندن تأثیر گذارده‌اند. همچنین، سند راهنمای برنامه‌ریزی موسوم به PPG2^{۴۳} به‌عنوان سند اصلی تأثیرگذار در هدایت توسعه کمربندهای سبز انگلستان و از جمله لندن قابل توجه است. البته براساس تغییرات قانونی حاصل شده در پی تصویب قانون برنامه‌ریزی و خرید اجباری، راهبردهای فضایی منطقه‌ای (RSS) و چارچوب طرح‌های محلی (LDF)، دو مورد از طرح‌هایی هستند که از سال ۲۰۰۴ بدین سو در توسعه کمربند سبز لندن مؤثر خواهند بود.

۳.۲. پاریس

سازوکار اداره منطقه کلانشهری پاریس موسوم به منطقه ایل دو فرانس پاریس^{۴۴} را باید در حکومت منطقه‌ای

تصویر ۴: دیاگرام کلی کمربند سبز ایل دو فرانس



جذاب و تولید مترکم در اراضی کشاورزی بزرگ مقیاس و فضاهای باغبانی هم‌پیوند با بازار^{۳۳}، کمربند سبز بیش از ۲۰ درصد از کشاورزی منطقه و ۲۵ درصد از مشاغل منطقه ایل دو فرانس در بخش کشاورزی را به خود اختصاص می‌دهد» (Laruelle and Legenne, 2008).

با وجود پیچیدگی پروژه کمربند سبز، ناحیه کمربند سبز چندان هم در طول دهه‌های اخیر، خاکستری (محیط انسان ساخت) نشده است. این موضوع بیشتر به دلیل سیاست مبدعانه و مؤثر کمربند سبز است. برای حفاظت از فضاهای باز کمربند سبز، شورای منطقه‌ای هیچ ابزار تجویزی قانونی^{۴۰} (مانند طرح‌های کاربری زمین که می‌توانند برای نهادهای محلی جایگاه الزام‌آور داشته باشد) در اختیار ندارد. اما شورای منطقه‌ای از مجموعه ابزار گسترده‌ای از قبیل اکتساب مالکیت جنگل‌ها، نظارت بر مالکیت اراضی کشاورزی، پشتیبانی از پروژه‌های کشاورزی پیرا-شهری، اقدامات موضوعی در زمینه مدیریت آب، تنوع زیستی یا اقدامات مبدعانه کشاورزی استفاده می‌نماید. اغلب این ابزارها به طور وسیعی در ناحیه کمربند سبز که بالاترین سطح فشارها بر فضای باز در آن وجود دارد، به کار گرفته شده‌اند. اما بیش از همه اینها، شورای منطقه‌ای شبکه‌ای منسجم از شرکایی را ایجاد نموده است که آماده بسیج ابزارهای خود هستند. این شبکه براساس تفکر «اجرای حمایتی امور در پایین‌ترین مقیاس عملی»^{۴۱} شکل گرفته است. به عنوان نمونه یک شورای کانتی ممکن است «حق شفعه»^{۴۲} خود را به شورای منطقه‌ای واگذار کند تا آن را قادر به خرید یک قطعه از زمین‌های فضای باز به منظور استفاده در منافع منطقه‌ای نماید. از سوی دیگر، شورای منطقه‌ای ممکن است به یک شورای شهر یارانه‌هایی اعطا نماید که آن را قادر به ایجاد یک پارک محلی با دسترسی عمومی نماید. تعدد گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ و ابزارها بیش از آنکه یک مشکل باشد، یک فرصت محسوب می‌شود. وظیفه مؤثر شبکه‌سازی به‌وسیله مأموران محلی «آژانس فضای سبز»^{۴۳}، مؤسسه منطقه‌ای که در ۱۹۷۶ برای اجرای سیاست فضای باز شورای منطقه‌ای ایجاد شد، با بودجه سالانه ۲۰ میلیون یورویی صورت گرفته است. این بودجه عمدتاً به خرید اراضی و اختصاص آن به جنگل‌ها و پارک‌هایی با قابلیت دسترسی عمومی و نیز ارائه یارانه به نهادهای محلی به منظور توانمندسازی آنها برای انجام همین امر در مقیاس

محلی تخصیص یافته است.

طرح جامع منطقه‌ای جدید ایل دو فرانس، فرصتی اساسی برای تطبیق و هماهنگ‌سازی برنامه‌ریزی شهری با «برنامه‌ریزی عرصه‌های سبز»^{۴۴} است. بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۶، برنامه‌ریزی شهری، منطقه‌ای و برنامه‌ریزی پهنه‌های سبز در منطقه ایل دو فرانس پاریس وظیفه دولت مرکزی بود. بعد از ۱۹۷۶، برنامه‌ریزی شهری حق انحصاری دولت مرکزی باقی ماند، در شرایطی که شورای منطقه‌ای به تدریج تعهد خود به فضاهای باز و البته به برنامه‌ریزی منطقه‌ای پهنه‌های سبز^{۴۵} را یکپارچه می‌نمود. در سال ۱۹۹۴، طرح سبز منطقه‌ای^{۴۶} به‌وسیله شورای منطقه‌ای منتشر شد، اما هیچ‌گاه به تصویب نرسید. همچنین از دید شورای منطقه‌ای، طرح جامع منطقه‌ای^{۴۷} که به‌وسیله دولت مرکزی ارائه شده بود، دچار خلاء توجه به موضوع کمربند سبز بود (Laruelle and Legenne, 2008: 227-236).

۳.۳. تورتو

ناحیه تورتوی بزرگ (GTA)^{۴۸}، مرکز ایالت اونتاریو^{۴۹} محسوب می‌شود و مطابق با بررسی‌ها، جدا از فرآیند ایجاد شهر جدید تورتو^{۵۰} که از تلفیق شش شهر موجود در سال ۱۹۹۸ و اداره آنها به‌وسیله سازوکار ویژه‌ای به نام شهرداری منطقه‌ای، هیچ قدرت متمرکزی برای اداره قلمرو منطقه کلانشهری تورتو GTA وجود ندارد. با این حال موزاییک کردن قلمرو این محدوده به‌وسیله شهرداری‌های منطقه‌ای و شهرداری کلانشهری تورتو، سبب شده است تا هیچ بخشی خارج از کنترل و نظارت باقی نماند.

در تورتو، تجربه کمربند سبز اونتاریو^{۵۱} و «منطقه نعل طلایی»^{۵۲} نیز مورد توجه است. کمربند سبز اونتاریو، در محدوده‌ای نعلی شکل، شهرهای ایالت اونتاریو را از شمال، شرق و غرب در بر گرفته و با توجه به وجود دریاچه اونتاریو در جنوب محدوده، به نوعی توسعه شهری را محدود نموده است. مهم‌ترین ویژگی‌های قابل طرح در زمینه کمربند سبز اونتاریو به شرح زیر است:

بنیان قانونی کمربند سبز اونتاریو را «قانون کمربند سبز» سال ۲۰۰۵ بنا نهاد. براساس این قانون حکومت ایالتی اونتاریو، متولی تهیه طرح کمربند سبز است و شهرداری‌ها می‌باید کلیه طرح‌ها و اقدامات توسعه‌ای خود را در چارچوب این طرح و منطبق بر آن هدایت نمایند. این

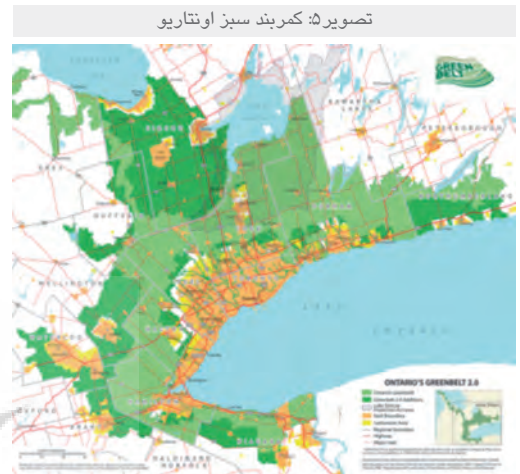
براساس قانون، دولت اونتاریو، باید طرح بازنگری شده کمربند سبز را هر ده سال یک بار ارائه دهد و در صورت لزوم اصلاحات لازم را در آن به عمل آورد. به موازات توسعه طرح و قانون کمربند سبز، دولت ایالتی اونتاریو همچنین طرح گسترش منطقه نعل طلایی را تهیه نموده است. طرح فوق برای شهرداری‌های منطقه، زمینه توسعه و اجرای راهبردها و سیاست‌های هدایت رشد جمعیت و اشتغال به نواحی ساخته شده کنونی را فراهم می‌سازد. این طرح همچنین اهداف تراکم و سایر دستورالعمل‌های توسعه در محدوده اراضی سبز را ارائه می‌نماید.

تعداد زیادی از گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع دولتی و غیردولتی در نظارت و اجرای امور کمربند سبز اونتاریو دخیل هستند. مقامات دولت ایالتی باید به هنگام اخذ تصمیمات در زمینه کاربری اراضی نظارت کنند که این تصمیمات با طرح تطبیق یابند. شهرداری‌ها نقشی کامل در حفاظت کمربند سبز دارند و باید از انطباق طرح‌های رسمی و تصمیماتشان با طرح کمربند سبز اطمینان یابند. همچنین قانون کمربند سبز، زمینه ایجاد شورای کمربند سبز را برای ارائه مشاوره در ارتباط با موضوعات و مسایل قانون فوق فراهم می‌نماید. این شورا از اعضای با زمینه‌های گوناگون علمی و حرفه‌ای در زمینه برنامه‌ریزی کاربری اراضی، کشاورزی، محیط‌زیست و حمل‌ونقل تشکیل می‌شود.

شورای کمربند سبز توصیه‌هایی در زمینه نحوه اجرای طرح و قانون کمربند سبز، تدوین معیارهای اجرایی به‌منظور نظارت بر کارایی طرح، ارائه پیشنهادها در زمینه اصلاح طرح کمربند سبز و بازنگری ده ساله طرح ارائه می‌نماید. علاوه بر این، در ژوئن ۲۰۰۵، بعد از تصویب قانون کمربند سبز، دولت اونتاریو، تشکیل «بنیاد دوستان کمربند سبز»^{۵۵} را اعلام کرد و ۲۵ میلیون دلار برای پشتیبانی از این بنیاد در زمینه انجام فعالیت‌های جاری، تحقیقات، اعطای پژوهانه و کمک مالی^{۵۶} فراهم نمود. این بنیاد، سازمانی مستقل و غیرانتفاعی است که به اجرا و پایدارسازی کمربند سبز به‌عنوان یک ویژگی مفید و دائمی که کیفیت زندگی ساکنان اونتاریو را ارتقا می‌بخشد، اختصاص یافته است.

همچنین سازمان‌های غیردولتی و غیرانتفاعی فوق، در قالب یک اتحاد با عنوان «ائتلاف کمربند سبز اونتاریو»^{۵۷} به فعالیت می‌پردازند. این ائتلاف نقش نظارتی بر شرایط کمربند سبز را برعهده دارد و به‌گونه‌ای نقش

قانون از یک سو به دولت ایالتی اختیار تهیه طرح کمربند سبز را می‌دهد که براساس آن طرح‌های اصلی باید دارای مطابقت با طرح کمربند سبز باشند و از سوی دیگر «شورای کمربند سبز» را به‌منظور ارائه توصیه و مشاوره به وزیر امور شهرداری‌ها و مسکن تأسیس می‌نماید. این قانون مجموعه‌ای از اهداف برای طرح کمربند سبز را به شرح زیر تدوین کرده است:



تصویر ۵: کمربند سبز اونتاریو
منبع: http://greenbeltalliance.ca/images/Greebelt_2_update.jpg

- ایجاد شبکه‌ای از روستاکنارها^{۵۳} و فضاهای باز،
- پایدارسازی روستاکنارها و حومه، روستاها و شهرهای کوچک و همکاری در زیست‌پذیری^{۵۴} اجتماعات کشاورزی،
- حفاظت از اراضی کشاورزی به‌عنوان یک منبع تجاری دائمی تغذیه و اشتغال،
- تشخیص اهمیت حیاتی بخش کشاورزی برای اقتصاد منطقه‌ای،
- حفاظت از زمین، بهسازی و ارتقای عملکرد اکولوژیک و هیدرولوژیک کمربند سبز،
- تأمین فرصت‌های تفریحی، گردشگری و میراث فرهنگی برای پشتیبانی از نیازهای جمعیت رو به گسترش،
- ایجاد پیوند میان اکوسیستم‌ها و پارک‌های ایالتی یا اراضی عمومی،
- کنترل شهری شدن اراضی در محدوده کمربند سبز،
- اطمینان از توسعه زیرساخت‌ها و حمل‌ونقل در قالب رویکرد حساس به محیط‌زیست و
- استفاده پایدار از منابع.

نگهبانی در زمینه فشارهای توسعه، به‌ویژه در نواحی که دارای ویژگی‌ها و عملکردهای زیست‌محیطی حساسی هستند، بر عهده دارد. دولت ایالتی، فرصت‌های مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی کاربری زمین کمر بند سبز را گسترش داده است. همچنین «اعلامیه حقوق محیط‌زیست اونتاریو»^{۵۸}، حاکی از فرآیندهایی رسمی است که حقوقی برای مشارکت شهروندان در تصمیمات مرتبط با کمر بند سبز را اعطا می‌نماید. این امر شامل حق اظهار نظر در مورد سیاست‌ها و قوانین پیشنهادی و حق درخواست برای بازنگری قانون کمر بند سبز و قوانین و سیاست‌هایی است که براساس آن شکل می‌گیرند (CIELAP, 2010:44-46).

۳.۴. محدوده اعمال قدرت فرا_مرزی شهر دالاس

دالاس با جمعیت ۱/۳ میلیون نفر^{۵۹}، شهری است در ایالت تگزاس از کشور ایالات متحده آمریکا. این شهر نهمین شهر بزرگ آمریکا از لحاظ جمعیت است، اما با احتساب مناطق حومه‌ای، کلانشهر دالاس-فورت وورث^{۶۰} با بیش از شش میلیون نفر جمعیت بزرگ‌ترین کلانشهر ایالت تگزاس و چهارمین کلانشهر بزرگ ایالات متحده آمریکاست.

دالاس در واقع بخشی از منطقه دالاس-فورت وورث محسوب می‌شود. در منطقه دالاس فورت وورث موضوع تفرق سیاسی و عملکردی مورد توجه قرار دارد و برای رفع این تفرق، تلاش‌هایی چون ایجاد شورای حکومت‌های محلی تگزاس شمالی^{۶۱}، به‌عنوان شورای منطقه‌ای دالاس-فورت وورث در قالب یک سازوکار داوطلبانه پیگیری شده است که امری چون برنامه‌ریزی قلمرویی، حفاظت زیست‌محیطی و توسعه متوازن منطقه را مورد توجه قرار داده است. در دالاس، براساس فصل چهارم و دوم مقررات حکومت محلی تگزاس^{۶۲}، سازوکار محدوده اعمال قدرت فرا_مرزی مورد توجه قرار دارد.

براساس مقررات مزبور، هر شهری از ETJ خاص خود بر پایه اندازه جمعیتی‌اش برخوردار می‌شود، با این منطق کلی که هرچه جمعیت آن بیشتر باشد، از محدوده اعمال قدرت فرامرزی وسیع‌تری برخوردار خواهد بود (Dallas City Council, 2007):

- نیم‌مایل (۰/۸ کیلومتر) برای جمعیت کمتر از پنج هزار نفر
- یک مایل (۱/۶ کیلومتر) برای جمعیت پنج هزار تا

۲۴ هزار و ۹۹۹ نفر

■ دو مایل (۳/۲ کیلومتر) برای جمعیت ۲۵ هزار تا

۴۹ هزار و ۹۹۹ نفر

■ سه و نیم مایل (۵/۶ کیلومتر) برای جمعیت ۵۰ هزار تا

۹۹ هزار و ۹۹۹ نفر

■ پنج مایل (هشت کیلومتر) برای جمعیت ۱۰۰ هزار

نفر و بیشتر^{۶۳}

سازوکار فوق، محدوده‌ای به‌عنوان ذخیره توسعه آینده شهر فراهم می‌کند و اساساً محدودیت کامل برای ممانعت از توسعه ایجاد نمی‌کند. این نکته قابل ذکر است که اگر قرار باشد، محدوده‌های اعمال قدرت فرامرزی متعددی در کنار هم وجود داشته باشند، چالش جدید بر سر راه مدیریت و ارتباط این محدوده‌ها با یکدیگر پدید خواهد آمد. ضمن آنکه تجربه محدوده اعمال قدرت فرا_مرزی (ETJ) نشان می‌دهد که اساساً هدف این سازوکار بیش از آنکه محدودیت شدید بر توسعه در خارج از مرزهای اصلی شهر باشد، موضوع کنترل و هدایت آن را مدنظر قرار می‌دهد و از این رو بیشتر مشابه با مفهوم حریم در ایران است.

در طول سال‌های مختلف تا امروز، محدوده اعمال قدرت فرا_مرزی دالاس، تغییرات مختلفی یافته است که این تغییرات نشان‌دهنده این موضوع است که محدوده اعمال قدرت فرا_مرزی، به معنای محدوده‌ای نیست که در آن توسعه ممنوع باشد. بلکه می‌توان با اخذ مجوزهای لازم در این زمینه اقدام نمود. اگرچه برای انجام اقداماتی در زمینه توسعه بخش‌هایی از اراضی یا الحاق محدوده‌ها به‌منظور گسترش محدوده اعمال قدرت فرا_مرزی، تهیه طرح‌هایی لازم است. این طرح باید شامل فهرستی از خدمات و تسهیلات مورد نیاز در ناحیه پیشنهادی باشد و در قالب یک طرح خدمات این موضوع پوشش داده شود.

۴. نتیجه‌گیری

مطالعات نشان می‌دهد که دو دسته مفاهیم در ارتباط با محدوده‌های فراسوی ناحیه ساخته شده شهری یا کلانشهری را می‌توان از همدیگر متمایز نمود: الف) مفاهیم و محدوده‌های برنامه‌ریزی و ب) مفاهیم و محدوده‌های جغرافیایی-فضایی. حریم شهری (ایران)، کمر بند سبز (کشورهای اروپایی و کانادا) و محدوده اعمال قدرت فرامرزی (آمریکا) از جمله محدوده‌های سیاستی و

یکی از مفاهیمی که عمدتاً در شهرهای آمریکایی به کار می‌رود، محدوده اعمال قدرت فرا-مرزی (ETJ)^{۶۴} است. این محدوده، از جمله محدوده‌های سیاستی و برنامه‌ریزی محسوب می‌شوند که اساساً برای کنترل یا هدایت توسعه کلانشهری تعریف و تعیین می‌شوند و بیشتر به مفهوم قانونی و برنامه‌ریزانه حریم و نه مفهوم علمی و جغرافیایی آن نزدیک است.

محدوده اعمال قدرت فرامرزی، توانایی قانونی یک حکومت برای اعمال قدرت در خارج از مرزهای عادی و معمول آن است. هر مقام محلی ممکن است علاقمند به داشتن چنین توانایی‌ای باشد و از این رو چنین موضوعی باید به تأیید مراجع قانونی یا قضایی برسد. در ایالات متحده بسیاری از ایالت‌ها دارای مقررات و یا حتی قوانین اساسی هستند که به شهرها اجازه می‌دهد تصمیماتی قطعی در ارتباط با اراضی واقع در محدوده‌هایی بیرون یا فراتر از محدوده قانونی شهر^{۶۵} اتخاذ نمایند.^{۶۶} تگزاس، آلاسکا، کارولینای شمالی و آرکانزاس، از جمله ایالت‌هایی هستند که از امکان درخواست در زمینه برخورداری از محدوده‌های اعمال قدرت فرامرزی برخوردارند. در کالیفرنیا، محدوده اعمال قدرت فرامرزی، به «حوزه نفوذ»^{۶۷} یک شهر اطلاق می‌گردد. به‌عنوان نمونه می‌توان از لس‌آنجلس سخن گفت که دارای حوزه نفوذ بر برخی از محدوده‌های آماری^{۶۸} واقع در خارج از محدوده قانونی آن است و نیز می‌توان از پالم‌دیل^{۶۹} سخن گفت که دارای حوزه نفوذ وسیعی بر برخی از روستاها و شهرهایی است که در خارج از محدوده

قانونی آن واقع‌اند. در کشور استرالیا نیز، موضوع اعمال قدرت فرامرزی برای نهادهای مدیریت قلمرویی و ایالتی، براساس قانون ۱۹۸۶ استرالیا^{۷۰} صورت می‌گیرد.

در واقع ETJ، محدوده واقع در خارج از محدوده قانونی شهر (شهرداری) است که در عین حال با محدوده قانونی شهر (شهرداری) نیز مجاور و پیوسته است. هدف ETJ تحقق و حفاظت از سلامت عمومی، امنیت و رفاه در نواحی مجاور با محدوده قانونی شهرداری‌هاست. برای شهرها این امکان وجود دارد که در زمینه مقررات قطعه‌بندی و مقررات زیست‌محیطی در این محدوده‌ها اعمال قدرت نمایند (Dallas City Council, 2007).

بدین ترتیب محدوده اعمال قدرت فرامرزی در شهرهای آمریکایی، محدوده‌ای است که به‌منظور کنترل و هدایت توسعه در اراضی پیرامونی شهر تعیین می‌شود و تا حدودی مشابه با مفهوم حریم شهری در ایران است که به نهاد مدیریت شهری این اجازه را می‌دهد که در زمینه منطقه‌بندی (تعیین کاربری اراضی، تغییر آن و مقررات ساخت‌وساز در این محدوده) به گونه‌ای اعمال قدرت نماید، ضمن آنکه وظیفه‌ای در زمینه خدمات‌رسانی در این محدوده ندارد.^{۷۱} در ایالات متحده، یکپارچه‌سازی یا الحاق به دیگر محدوده‌های اعمال قدرت فرامرزی ممنوع است و محدوده اعمال قدرت فرامرزی یک شهر نباید همین محدوده در سایر شهرها را دربرگیرد.

شهرنگار

دوماهنامه شهرنگار
Shahrnegar

شماره ۵۷ و ۵۶

بخش ویژه

۳۳

محدوده‌های برنامه‌ریزی نشان داد که در نمونه‌های لندن، پاریس و تورنتو، آنچه بیش از هر چیز مورد توجه قرار دارد، موضوع کمربند سبز کلانشهری در کنار سایر سازوکارهای منطقه‌گرایی برای کنترل پراکنده‌روی شهری است. در شهر دالاس، نوعی تجربه خاص آمریکایی با عنوان محدوده اعمال قدرت فرا-مرزی (ETJ) وجود دارد. این محدوده یکی از قلمروهای سیاستی و برنامه‌ریزی محسوب می‌شود که اساساً برای کنترل و یا هدایت توسعه کلانشهری تعریف و تعیین می‌شود و بیشتر به مفهوم قانونی و برنامه‌ریزانه حریم در ایران نزدیک است و با مفهوم حریم شهری در ایران نقاط اشتراک زیادی دارد. تعیین کاربری اراضی، تغییر آن و مقررات ساخت‌وساز در این محدوده، برخی از موارد اعمال قدرت نهاد مدیریت شهری در قلمرو اعمال قدرت فرا-مرزی است. با توجه به نمونه‌های بررسی شده در مطالعه حاضر، می‌توان درس‌ها و آموزه‌های زیر را مورد توجه قرار داد:

- مفهوم «کمربندسبز»، اگرچه دارای سابقه‌ای تاریخی

برنامه‌ریزی محسوب می‌شوند که اساساً برای ممانعت، کنترل و یا هدایت توسعه کلانشهری تعریف و تعیین می‌شوند. سایر موارد، محدوده‌ها و مفاهیم جغرافیایی و فضایی هستند که به‌عنوان دستاورد نظریه‌پردازی علمی برای تشخیص و تمیز محدوده‌های مختلف پیرامون شهرها و کلانشهرها که هر یک ویژگی‌های منحصر به فردی دارند، ساخته و پرداخته شده‌اند. برخی از این محدوده‌ها، نقطه‌ای یا پهنه‌ای هستند و برخی دیگر مانند هاله روستایی-شهری (جامع‌ترین و پرکاربردترین مفهوم جغرافیایی-فضایی) یا نواحی پیرا-شهری ماهیتی خطی-حلقوی دارند. به‌عبارت دیگر در شکل یک نوار یا کمربند پیرامون شهر یا کلانشهر مرکزی گسترده شده‌اند. آنچه مهم است اینکه حریم در ایران یک محدوده و مفهوم برنامه‌ریزی است نه یک مفهوم علمی و جغرافیایی و فضایی محض مانند هاله روستایی-شهری یا ناحیه پیرا-شهری.

بررسی تجربیات کشورها در زمینه مدیریت این نوع

است اما در سال‌های اخیر مورد توجه مجدد قرار گرفته است. همان‌گونه که تجارب مورد بررسی حاضر از جمله لندن، تورنتو و پاریس نشان داد، مفهوم کمربند سبز علاوه بر کارکرد سنتی خود به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری از رشد فیزیکی نواحی شهری بزرگ و نیز جلوگیری از ادغام شهرها و شهرک‌های همجوار، اکنون در زمینه کارکردهایی چون توسعه کشاورزی شهری (به‌ویژه کشاورزی ارگانیک)، گسترش گردشگری و توریسم محلی و فرامحلی، ایجاد محیط‌های ویژه حفاظت از حیات وحش و ... پیگیری شده است. براساس یافته‌ها، می‌توان گفت کمربند سبز کلانشهری، یکی از مهم‌ترین موارد قابل پیگیری در عرصه مفاهیم عام مرتبط با حریم برای مدیران و برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای است. ایجاد، حفاظت و توسعه کمربند سبز کلانشهری، براساس آنچه در تجارب حاضر مشاهده شد، از یک سو نیازمند ایجاد محیط قانونی و حمایت سیاسی و از سویی دیگر نیازمند اختصاص برنامه‌های آموزشی، طرح‌های پژوهشی و نیز اختصاص بودجه‌های حمایتی ملی، منطقه‌ای و محلی است.

■ اکنون پذیرفته شده است که مناطق کلانشهری، با چالش‌های محتوایی و رویه‌ای متعددی روبرو هستند و شهرداری‌ها و واحدهای حکومت محلی مجزا و منفرد فاقد توانایی و ظرفیت لازم برای اداره این مناطقتند. تحقق و توفیق هرگونه آلترناتیو(جایگزین) به‌عنوان سازوکار مدیریت و برنامه‌ریزی حریم کلانشهری، در گرو ایجاد سازوکارهایی برای حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای و یا پذیرش نقشه راهی برای استقرار چنین سازوکارهایی است.

■ آموزش، پژوهش و اطلاع‌رسانی در زمینه رویکرد اتخاذ شده در ارتباط با حریم کلانشهری ضرورتی ویژه دارد. پیش از هر اقدام، باید زمینه ادراک شهروندان، متخصصان، مدیران و کلیه عناصر مؤثر در اداره منطقه از چشم‌انداز منتخب در ارتباط با آینده حریم فراهم آید. تنها در صورت شناخت کافی از ابعاد طرح و سازوکار پیشنهادی است که مدیران واحدهای مختلف موجود در منطقه (با ماهیت محلی، منطقه‌ای و ملی) حاضر به تعامل و همکاری برای دستیابی به چشم‌انداز و دورنمای

منطقه‌ای یکپارچه خواهند شد. این امر در تجارب کلانشهر تهران تاکنون چندان محقق نشده است. ■ تجارب مختلف نشان می‌دهند برای مدیریت و برنامه‌ریزی محدوده حریم، لزوماً ایجاد سازمان و یا سطحی جدید و رسمی در حکومت محلی ضروری نیست. بلکه می‌توان از سازوکارهای نوآورانه، داوطلبانه و غیررسمی نیز بهره برد. آن گونه که بررسی نشان داد، در حفاظت از محدوده هاله شهری-روستایی در مقابل پراکنده‌روی شهری و دست‌اندازی به آن، جدا از نیاز به قوانین و مقررات و سازوکارهای رسمی نظارت و کنترل، راه حل‌های نوآورانه و ابتکاری نقشی کلیدی دارند. همان طور که در تجربه لندن، پاریس و تورنتو مشاهده شد، سازمان‌های مردم‌نهاد، ائتلاف‌های سازمانی، شوراهای رسمی و داوطلبانه و ... نقشی مهم در ایفای نقش نظارتی و حمایت از پیشبرد برنامه‌های نهادهای مسئول ایفا می‌کنند.

■ برای موفقیت نظام مدیریت و برنامه‌ریزی هاله شهری، سطوح متفاوتی از اصلاحات قانونی و نهادی ضروری است. به‌عنوان نمونه می‌توان به تجربیات تهیه قوانین مرتبط با کمربند سبز اشاره نمود که در قالب قانون کمربند سبز در انگلستان و کانادا تجربه شده است.

■ توفیق در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های مرتبط با محدوده‌های خاص حفاظت پیراشهری (مفهوم عام حریم)، نیازمند شکل‌گیری سطح قابل اعتمادی از اراده «ملی» (دولت مرکزی) «منطقه‌ای» و «محلی» است و در غیر این صورت به نتیجه مطلوب دست نخواهد یافت. در این زمینه به نظر می‌رسد در طرح‌هایی چون ایجاد و توسعه کمربند سبز به دلیل مواجه بودن شهرها (سطح محلی نظام مدیریت) و نیز سطوح منطقه‌ای حکومت با مسایل عدیده و روزمره‌ای که در کوتاه‌مدت دارای اولویت و سطح بازدهی بیشتری به نظر می‌رسد و همچنین محدودیت‌های فنی و مالی، بدون حمایت گسترده دولت، نتایج و توفیقات کافی حاصل نخواهد شد. جدول آتی جمع‌بندی مشخص‌تری از بررسی نمونه‌های مزبور در مقایسه با شرایط تهران ارائه می‌نماید:

نام قلمرو	قلمروهای حکومتی	سازوکارهای اصلی منطقه‌گرایی	مهم‌ترین ویژگیها در زمینه نظام برنامه ریزی، مدیریت و قوانین و مقررات حاکم بر حریم(هاله کلانشهری/ کمربند سبز)
ناحیه تورنتوی بزرگ	<ul style="list-style-type: none"> ۲۵ شهرداری ۲ شهرستان 	<ul style="list-style-type: none"> سطحی از سازوکارهای منطقه‌گرایی در قالب ادغام شش شهر پیشین و ایجاد شهر جدید تورنتو پیش‌بینی حکومت فرانشهری در قالب ایجاد شهرداری‌های منطقه‌ای در پیرامون فقدان سازوکاری برای حکمروایی یکپارچه منطقه عملکردی (ناحیه تورنتوی بزرگ) با وجود برخی سوابق در این زمینه 	<ul style="list-style-type: none"> کمربند سبز اوتاریو با ماهیت منطقه‌ای ضرورت تهیه طرح‌های محلی با طرح کمربند سبز قانون کمربند سبز ۲۰۰۵ که به کابینه ایالتی اختیار تهیه طرح کمربند سبز (با افق ده ساله) می‌دهد شورای کمربند سبز برای ارائه مشاوره به وزیر امور شهرداری‌ها و مسکن طیف وسیعی از برنامه‌های حمایت از کشاورزی، تفریحات و گردشگری
منطقه ایل دو فرانس	<ul style="list-style-type: none"> هشت دپارتمان دارای شورای عمومی دارای ۱۳۰۰ شهرداری که تنها ۱۰ شهرداری آن بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارند. 	<ul style="list-style-type: none"> حکومت منطقه ایل دو فرانس ترکیبی از شورای منطقه‌ای منتخب (حکومت منطقه ایل دو فرانس) و فرماندار منطقه که منصوب از سوی حکومت مرکزی است) 	<ul style="list-style-type: none"> بی‌توجهی به موضوع کمربند سبز تا نیمه دهه ۱۹۷۰ کاهش ۲۰ درصدی اراضی کشاورزی محدوده کمربند سبز در طول بیست سال گذشته ارائه طرح منطقه سبز، ۱۹۹۵ تأکید طرح جامع منطقه‌ای جدید ایل دو فرانس بر کمربند سبز پاریس فقدان ابزارهای قانونی الزام‌آور و در اختیار شورای منطقه‌ای ایل دو فرانس در زمینه کمربند سبز ایجاد شبکه‌ای منسجم از شرکایی که آماده بسیج ابزارهای خود هستند
منطقه کلان شهری لندن	<ul style="list-style-type: none"> سه منطقه ۵۰ واحد حکومت محلی مستقر در سه منطقه مزبور از جمله حکومت لندن بزرگ 	<ul style="list-style-type: none"> حکومت لندن بزرگ با ایجاد یک ناحیه شهری یکپارچه بدون وجود تفرق سیاسی اداره کلانشهر مرکزی منطقه یعنی لندن را برعهده دارد فقدان سازوکاری برای اداره یکپارچه منطقه عملکردی (کلانشهری) لندن 	<ul style="list-style-type: none"> وجود قوانین و سیاست‌های خاص مصوب از سال ۱۹۳۵ تا امروز فعالیت شورای کمربند سبز لندن به‌عنوان یک نهاد داوطلبانه از ۱۹۵۴ تا امروز به منظور نظارت و ارائه مشاوره در زمینه کمربند سبز لندن شبکه‌ای از همکاری میان وزارتخانه‌های دولتی، نهادهای محلی و سازمان‌های غیر دولتی شوراهای محلی شهری به‌عنوان بازیگر کلیدی و مقامات محلی برنامه‌ریزی به‌عنوان مراجع تصمیم‌گیری در زمینه صدور یا عدم صدور مجوز توسعه پیگیری سیاست کمربند سبز در سطح کشور انگلستان به صورت یک سیاست ملی با انتشار گزارش‌های ارزیابی به صورت منظم با محوریت وزارتخانه اجتماعات محلی و دولت محلی و وزارتخانه محیط زیست، تغذیه و امور روستایی تحقیقات پیوسته در زمینه کشاورزی پایدار در محدوده کمربند سبز
دالاس (منطقه کلانشهری دالاس-فورت ورت)	<ul style="list-style-type: none"> منطقه دالاس-فورت ورت متشکل از ۱۲۷ حکومت محلی و ۱۲ کانتی (ناحیه کلانشهری دالاس از هشت کانتی و ۱۴۵ شهرداری محلی) 	<ul style="list-style-type: none"> شورای حکومت‌های محلی تگزاس شمالی به‌عنوان شورای منطقه‌ای دالاس-فورت ورت در قالب یک سازوکار داوطلبانه 	<ul style="list-style-type: none"> محدوده اعمال قدرت فرا-مرزی (ETJ) دالاس به پهنای هشت کیلومتر قانون الحاق شهرداری‌های ۱۹۶۳ ایالت تگزاس فصل چهارم و دوم مقررات حکومت محلی تگزاس طرح راهبردی ۲۰۰۳-۱۹۹۹ جایگاه دالاس به‌عنوان یک شهر خودگردان کامل
مجموعه شهری تهران (منطقه کلانشهری تهران)	<ul style="list-style-type: none"> ۱۲ شهرستان، ۳۲ بخش، ۴۹ شهر، ۷۴ دهستان و ۱۴۲۷ آبادی (مطابق با اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵) 	<ul style="list-style-type: none"> تاکنون سازوکاری برای منطقه‌گرایی و رفع چالش‌های موجود به کار گرفته نشده است. 	<ul style="list-style-type: none"> مفهوم عام حریم شهر در انتظار مطالعه و پیشنهاد سازوکارهای برنامه‌ریزی و مدیریت فقدان هرگونه قانون خاص در زمینه مدیریت کمربند سبز تهران فقدان سازوکار هماهنگی میان بخش عمومی و دولتی برای کنترل توسعه در محدوده حریم عدم تطابق میان مفهوم قانونی و عملیاتی حریم

شهرنگار

دوماهنامه شهرنگار
Shahrnegar

شماره ۵۷ و ۵۶

بخش ویژه

۲۵

- 1- Green Belt
- 2- Extra-territorial Jurisdiction
- 3- Suburbia
- 4- Exurbia
- 5- Peri-urban
- 6- in between
- 7- Urban Outskirt
- 8- Rurban Fringe
- 9- EUROPEAN CITIES : Insights on Outskirts Governance, 2004 ,Edited by Malachy McEldowney,
- 10- Malachy McEldowney
- 11- Urban Fringe/Rural -urban Fringe
- 12- Limited Fringe
- 13- Extended Fringe
- 14- Suburban Fringe Zone
- 15- Outlying Adjacent Zone
- 16- Inner and Outer Fringe
- 17- Rural Farm (RF)
- 18- Rural non-farm (RNF)
- 19- True Fringe, Partial Fringe
- 20- Rurbaization
- 21- Rural Hinterland
- 22- Extraterritorial Jurisdiction (ETJ)
- 23- Exurbia
- 24- Exurbanization
- 25- Joel Garreau
- 26- Greater London Auhority
- 27- London Metropolitan Green Belt
- 28- London and Home Counties (Green Belt) Act, 1938
- 29- Greater London Authority act ,1999
- 30- Town & Country Planning Acts of 1991
- 31- Planning & Compulsory Purchase Act
- 32- Ebenezer Howard, 1898 ; Abercrombie Plan 1944;Greater London Development Plan 1976;London Plan 2004
- 33- Planning Policy Guidance Note 2: Green Belts
- 34- Paris – Ile-de-France
- 35- *Institut daménagement et durbanisme de la région dÎle-de-France*
- 36- Ile-de-France Regional council
- 37- The Green Belt as a Specific Area of the Ile-de-France Region
- 38- Green Belt Area
- 39- Market Gardening
- 40- Legally Prescriptive tool
- 41- Supportive Subsidiarity
- 42- حق شفعه (pre-emptive right) بدین معنی است که مالکیت یک مال غیرمنقول و قابل تقسیم بین دو نفر به صورت شراکتی است و یکی از این دو نفر سهم خود را به صورت بیع به شخص ثالثی واگذار می کند. در این حالت برای شریک دیگر حقی به نام حق شفعه به وجود می آید و صاحب آن حق که شریک دیگر است را شفیع می گویند. در این حالت شریک می تواند مبلغی را که شخص ثالث به شریک خود داده است، به او بدهد و حق و سهم او را تملک نماید.
- 43- Agence des Espaces Verts
- 44- 'Green Planning'
- 45- regional 'green planning'
- 46- vert régional ('regional green plan')
- 47- Schéma directeur régional (regional master plan)
- 48- Greater Toronto Area
- 49- Ontario
- 50- New City of Toronto
- 51- Ontario Greenbelt
- 52- این منطقه (Greater Golden Horseshoe) از سال ۲۰۰۱ به وسیله مرکز آمار کانادا ماهیت قانونی یافته است. در این محدوده ۴۴ شهرداری محلی فعال هستند که با موزاییک کردن محدوده، هیچ فضایی خارج از نظارت و کنترل باقی نمانده است. این منطقه، حدود ۳۳ هزار و ۵۰۰ کیلومترمربع مساحت دارد که حدود هفت هزار و ۳۰۰ کیلومترمربع آن به وسیله کمربند

شهرنگار

دوماهنامه شهرنگار
Shahrnegar

شماره ۵۷ و ۵۶

بخش ویژه

۲۶

سبز پوشیده شده است. این منطقه دربرگیرنده منطقه کلانشهری تورنتو و شهرهای متعددی است و با جمعیت ۸/۱ میلیون نفری در سال ۲۰۰۶، حدود ۶/۲۵ از جمعیت کشور کانادا و ۷۵ درصد از جمعیت ایالت اونتاریو را در خود جای داده است

53- countryside

54- viability

55- Friends of the Greenbelt Foundation

56- Grant-making

57- Ontario Greenbelt Alliance

58- Ontario's Environmental Bill of Rights now applies to the Greenbelt Act

59- http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_United_States_cities_by_population

60- Dallas / Fort worth

61- North Central Texas Council of Governments

62- Texas Local Government Code / Chapter 42. Extraterritorial Jurisdiction of Municipalities

63- Acts 1987, 70th Leg., ch. 149, § 1, eff. Sept. 1, 1987.

64- Extra-territorial jurisdiction

65- towns incorporated limits

66- en.wikipedia.org/wiki/Extraterritorial_jurisdiction

67- Sphere of Influence

68- Census Designated Places

69- Palmdale

70- Australia Act, 1986

۷۱- قابل ذکر است که به طور معمول در ایالات متحده، مرزها و حدود شهر معمولاً به طور رسمی و در قوانین ایالتی یا قلمرویی یا مقررات مرتبط مانند اسناد طرح جامع تعریف می‌شود. محدوده این مرزها تحت کنترل حکومت شهرداری و یا نهادهای خدماتی مرتبط است. املاک موجود در محدوده شهر تابع مالیات و مقررات شهرداری است و شهرداری به آنها خدمات‌رسانی می‌کند. نواحی بیرون از مرزهای شهر جزو نواحی تأسیس نیافته به لحاظ حقوقی است و در بسیاری از ایالات تابع مالیات وضع شده از سوی شهرستان یا کانتی است و خدمات خود را نیز از آن نهاد دریافت می‌کند.

منابع:

- نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران (۱۳۸۵)، حریم شهر تهران (از گزارش‌های طرح جامع تهران، طرح راهبردی هدایت و کنترل تحولات کالبدی، اسناد) قسمت سوم: تدقیق و تکمیل طرح توسعه تهران.
- Adell, Germán (1999) Theories and Models of the Peri-urban Interface: A Changing Conceptual Landscape, Strategic Environmental Planning and Management for the Peri-urban Interface Research Project, Development Planning Unit (DPU) University College London.
- Avram, Sorin , (2009) The Position of Rural-urban Fringe in the Framework of Human Settlement System, Forum Geografic, Vol. 8, No. 8.
- Buxton, Michael., Alvarez, Amaya., Andrew Butt, Stephen Farrell and Danny O'Neill(2008)Planning Sustainable Futures for Melbourne Peri-urban Region, RMIT University, Melbourne.
- Caves, Roger (2005) Encyclopedia of the City, Routledge.
- CIELAP (Canadian Institute for Environmental Law and Policy) (2010)Ontario's Greenbelt in an International Context, Canadian Institute for Environmental Law and Policy.
- Conseil Régional d'Ile-de-France, (2004) , "STRUCTURES ADMINISTRATIVES DE LA REGION ILE-DE-FRANCE" , www.cramif.fr/indicateur/indic-reg.pdf.
- Dallas City Council (2007) "Dallas Extraterritorial Jurisdiction", www.dallascityhall.com/committee_briefings/.../ED_101507_mud.pdf

- Dávila, Julio D (1999) A Review of policies and strategies affecting the peri-urban interface, Strategic Environmental Planning and Management for the Peri-urban Interface Research Project, Development Planning Unit (DPU) University College London.
- GRIM - Groupe de Recherche sur l'Innovation Municipale(2010)La gestion métropolitaine en Amérique du Nord : survol des expériences , http://www.vrm.ca/grim_villes1.asp?ville=Dallas&P=&Pages=&ID=&Descr=&Recherche=&Cond=&Q=&C=
- Hall, P. and Ulrich, P. (2000) Urban Future 21 : A Global Agenda for Twenty- first Century Cities, E & FN SPON, London.
- Hutchison, Ray (2009) Encyclopedia of Urban Studies, Sage Publications.
- Islam, Israt (2006). Wetland of Dhaka: Alarming depletion. The Daily Star. Internet edition. Available at <http://www.thedailystar.net/2006/05/19/d605191902113.htm>.
- Islam, Md. Syful(2007) Physical Density and Urban Sprawl: A Case of Dhaka City , Master of Science thesis in Built Environment Analysis, Department of Urban Planning and Environment , Kungliga Tekniska Högskolan (KTH).
- Laruelle , Nicolas and Legenne ,Corinne (2008) “The Paris-Ile-de-France Ceinture Verte” in Amarti Marco (Ed.) Urban Green Belts in the Twenty First Century, Ashgate.
- Marshall, F., Waldman, L., MacGregor, H., Mehta, L. and Randhawa, P. (2009) On the Edge of Sustainability: Perspectives on Peri-urban Dynamics, STEPS Working Paper 35, Brighton: STEPS Centre.
- McEldowney, Malachy,(2004) The Rural-Urban Interface: Outskirts of European Cities, School of Environmental Planning, Queen's University, Belfast.
- Pitzl, Gerald (2004) Encyclopedia of Human Geography, Greenwood Publication.
- Pryor, J. Robin,(1968) Defining the Rural-Urban Fringe ,Social Forces, Vol. 47, No.

شہر نگار

دوماہنامہ شہر نگار

Shahrnegar

شماره ۵۶ و ۵۷

بخش ویژه

■ ۲۸ ■ ■ ■ ■ ■

پرویشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی